

# مُحَلَّة

ویژه نامه جام جم به مناسبت روز میاهله • یکشنبه ۲ مرداد ۱۴۰۱

با آثار و گفتاری از:

■ سید محسن میرباقری ■ علی انسانی ■ سید محمد مرتضی عاملی ■ مهرباب صادق نیا ■ محمود حبیبی کسبی ■ مرشد محسن میرزاعلی ■ عبدالرحیم سعیدی راد ■ سعید طاووسی مسرور و ...





در این مبارزه نه سپاه بی شمار حضور داشت و نه تاخت و تاز بود  
نیزه ای به سوی پرتاب نشد، کمانی تیری نینداخت بلکه مباحله بالاتراز  
هر مبارزه دیگری که با سلاح جنگی بود در تاریخ ماندگار شد.  
چرا که مباحله، پیکار حقیقت با بدعت بود. رویارویی شرافت با اشرافیت بود

## حرف اول

### چرا مباحله؟



دبیر ویژه نامه  
آرش شفاعی

راستش را بخواهید روز اول که مدیرمسئول روزنامه از مأموریت تهیه ویژه نامه ای به مناسبت روز مباحله سخن گفت، مثل خیلی از شما با خودم پرسیدم اصلا چرا

مباحله؟ چرا باید برای این روز یک ویژه نامه منتشر کنیم و مگر چقدر مطلب و محتوا درباره این روز می شود تهیه کرد؟

به هر حال خواسته و نخواستہ درگیر ماجرای شدم به نام مباحله، کمی درباره اش بیشتر خواندم. در منابع قدیمی و جدید جست و جو کردم و با برخی هنرمندان و چهره های فرهنگی از جمله دوستان برگزاری جشنواره ادبی مباحله تماس گرفتم و هرچه بیشتر پیش رفتم، بیشتر به این مسأله پی بردم که باید حتما، جدا و مصرا برای مباحله کار کرد، تولید محتوا کرد و این روز بزرگ، تاریخی و سرنوشت ساز را از غربت و مهجوریت بیرون کشید.

مباحله، روایتی تاریخی است که همه مذاهب اسلامی بر آن اتفاق نظر دارند و در این روایت تاریخی، موضوع حقانیت اهل بیت (ع) به صراحت و روشنی کم نظیری مورد توجه و تصریح قرآن و بیان خداوند قرار گرفته است، عجیب نیست که بسیاری از ما درباره این روز بزرگ کمتر شنیده یا خوانده ایم؟ به هر حال در مباحث تاریخی و علمی، نمی توان حکم های احساسی و قطعی داد و از بایکوت و توطئه به همان راحتی که اصحاب رسانه در هر مورد دیگری صادر می کنند، صادر کرد اما واقعا این غربت و کم اعتنایی در طول تاریخ جای شگفتی دارد.

حتی در گنجینه های شعر فارسی که همگی سرشار از روایت های تاریخی و توجه و تلمیح به صدر اسلام و تاریخ اسلام است، توجه به مسأله مباحله بسیار کم است و شاید بهترین نمونه از این توجه، ابیات مدح امیرالمؤمنین (ع) در حدیقه سنایی است که گزیده ای از آن را در پایان این ویژه نامه خواهید خواند.

جالب اینجاست که سنایی به اعتبار مذهب سنی است اما مشرب عرفانی و فطرت پاک و هنرمندی وجودش او را از بی نظیرترین شیفگان علی (ع) در تاریخ ادب پارسی کرده است. به هر روی، این ویژه نامه را در طلیعه پنجمین ماه سال به رسم ادب پیشکش وجود مقدس پنج نور خاصه الهی می کنیم و امیدواریم کمی و کاستی های آن را ببخشایید، باشد این اندک، فرصتی برای آشنایی بیشتر با روز بزرگ مباحله فراهم کند.



دبیر علمی جشنواره شعر مباحله:

# مباحله نبرد حقیقت با بدعت بود

دعوت کرده بود آنها را نپذیرفت. برای فهمیدن دلیل سراغ امیرالمؤمنین رفتند. حضرت به آنها گفت پیامبر و اسلام با اشرافیت روی خوشی ندارند و لباس هایتان را باید عوض کنید. بالاخره در این پیکار، دین اسلام با کمال قدرت در مقابل فرهنگ اشرافیت مقابله کرد و سرفراز از میدان بیرون آمد. اما مهم این است که با کمال تأسف این رویداد عظیم نه تنها در آرشو غفلت مانده، بلکه به فراموشی سپرده شده است و مسلمانان طعم شیرین آن را هنوز به کام جانیشان نجشیده اند.

دبیر علمی جشنواره شعر مباحله درباره برخورد مسیحیان در روز مباحله با خاندان پیامبر عنوان می کند: در آنجا ابو حارثه یکی از اسقف های حاضر در ماجرا به دیگر اسقفان گفت اگر قرار باشد پیامبر مباحله کند و دست به سوی آسمان ببرد، روزگار مسیحیت تباہ می شود و کوه ها از جایشان تکان می خورند.

هنگامی که اهمیت مباحله روشن و فراخوان جشنواره مباحله منتشر شد، شاعران در راستای تبیین مباحله شعرها سرودند. اشعارشان چاپ شد و به چند نفر از شاعران با صلاح دید داوران جایزه اهدا شد. امسال نیز به لطف امیرالمؤمنین حدود ۲۰۰ شاعر به میدان آمدند و وزیر ارشد هیأتی را انتخاب کردند تا در کنار جشنواره شعر مباحله، نمایشنامه هایی نیز در این رابطه روی صحنه ببرد.

انسانی معتقد است امروز که آمریکای جنایتکار انسان ها را به جرم رنگین بودن پوست شان می کشد، در چند قرن گذشته اما پیامبر ما تصمیم می گیرد با پیروان سایر ادیان تعامل کند و از آنها برای تامین امنیت شان در حکومت اسلامی جزیه دریافت کند. او همچنین در ادامه از استقبال شاعران برای سرودن از مباحله نیز می گوید. انسانی در این باره خدا را شاکر است و می افزاید: پس از عید غدیر که امسال شاهکار بود، قرار است برای بزرگداشت روز مباحله ۴۰۰ شهرستان پای کار بیایند و مجالس شعرخوانی ویژه این روز برگزار کنند.

چند سالی است مرکز آفرینش های ادبی حوزه هنری، به مناسبت بزرگداشت روز مباحله، جشنواره شعر برگزار می کند و با اعلام فراخوان از شاعران می خواهد برای نشان دادن شان و مقام خاندان رسالت، قلم بچرخاند و ذوق و قریحه شاعری شان را در راه اهل بیت (ع) و حقانیت نبی اکرم (ص) خرج کنند. امسال این جشنواره مبارک، سومین دوره خود را تجربه می کند و می توان گفت در میان شاعران، سرودن از مباحله در حال تبدیل شدن به سنتی شریف است.

علی انسانی، دبیر علمی جشنواره مباحله در گفت و گو با جام جم درباره اهمیت جایگاه مباحله در اسلام می گوید: منادیان مباحله دیدند این جریان که اعتبار و اقتدار اسلام است، متأسفانه مغفول مانده است. در تحدی های پیش از مباحله مانند بدر و احد و خندق مسلمانان سرفراز از میدان جنگ بیرون آمدند. حادثه حنین و از آن بالاتر جنگ خیبر برگ تازه و زرینی در تاریخ اسلام رقم زد. تمام برخوردهای نظامی پیامبر با متکران به اسلام جوانمردانه، حماسه ساز و زیانزد شد اما در تمام آن جنگ ها، یک تاز میدان مولا امیرالمؤمنین بود. یکی از پیکارهای پیامبر اعظم با پیروان دیگر ادیان که گمنام و مغفول مانده است، مباحله است که حتی خداوند متعال در دفاع از پیامبر و آل... نیز آیه نازل کرد. مباحله نه تنها از نبردهای دیگر کمتر نبوده و نیست بلکه از تحدی هایی است که مردم مدینه پس از این ماجرا جشن گرفتند. در این مبارزه نه سپاه بی شمار حضور داشت و نه تاخت و تاز بود، نیزه ای به سوی پرتاب نشد، کمانی تیری نینداخت بلکه مباحله بالاتراز هر مبارزه دیگری که با سلاح جنگی بود در تاریخ ماندگار شد. چرا که مباحله، پیکار حقیقت با بدعت بود. رویارویی شرافت با اشرافیت بود.

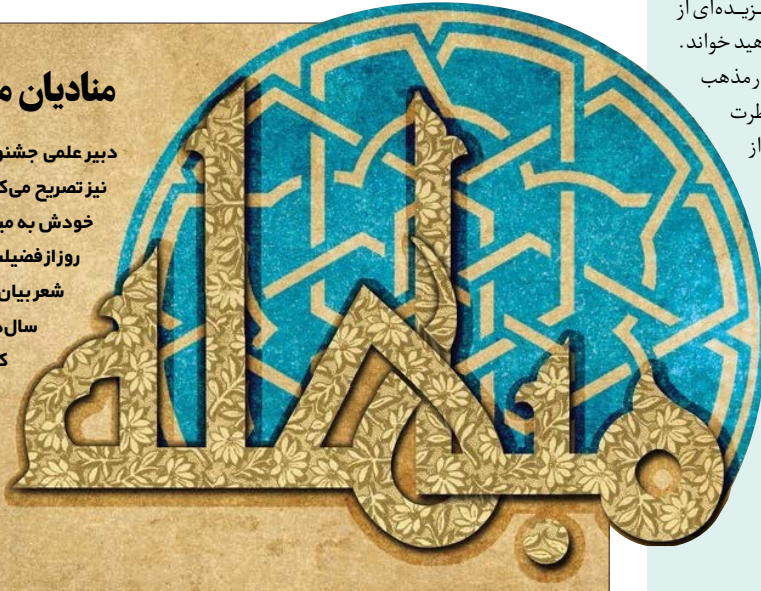
انسانی ادامه می دهد: مسیحیان با لباس های زرین و صلیب های طلایی به مقابل پیامبر آمدند و پیامبر آنها را نپذیرفت. گله مند شدند چرا در حالی که خود پیامبر از آنها



### در این پیکار، دین اسلام با کمال قدرت در مقابل فرهنگ اشرافیت مقابله کرد و سرفراز از میدان بیرون آمد

### منادیان مباحله و خرج قریحه شاعری در راه حقانیت پیامبر

دبیر علمی جشنواره شعر مباحله درباره بازخورد شاعران از جشنواره شعر مباحله در این چند دوره نیز تصریح می کند: الحمدا... همه با روی باز و هر شاعری با طبع، وسع، ذوق، قریحه خاص و رزق خودش به میدان آمد. منادیان این واقعه دیدند این ماجرا مثل غدیرو حتی بالاتراز غدیر، در آن روز از فضیلت امیرالمؤمنین روایت شده و امیرالمؤمنین نفس پیامبر خطاب شده و آن را به زبان شعر بیان کردند. امسال نیز آثار بسیار خوبی از سوی شاعران درباره مباحله دریافت کردیم. سال های گذشته نیز کتابی از اشعار دریافتی جشنواره چاپ شد و امسال قرار است این کتاب با اشعار جدید تجدید چاپ شود. شاعران بسیار خوب به استقبال امیرالمؤمنین در روز مباحله آمدند. به امید آن که منادیان مباحله با تمام قوا به میدان بیایند و حق مباحله تمام و کمال ادا شود؛ چرا که بعضی هیأت های ولایت مدار، پس از عید غدیر به انتظار محرم می نشینند. این کار از سوی علما و مراجع مورد تایید نبود؛ چرا که ما پیش از محرم روز مباحله را داریم و باید این کار نگه داشته شود تا بتوان بزرگداشت مباحله و روز فضیلت مولا امیرالمؤمنین را جشن گرفت.





## شعر امروز

سید حمیدرضا برقمی

### مهر رسولانه

ناگهان صومعه لرزید از آن دق الباب  
اهل آبادی تثلثت پریدند از خواب

رجز مآذنه هالرزه به ناقوس انداخت  
راهبان راهمه در ورطه کابوس انداخت

قصه فتنه و نیرنگ و دغل پیوسته است  
نان یک عده به گمراهی مردم بسته است

ننوشتند که باران نمی از این دریاست  
یکی از خیل مریدان محمد، عیسا است

لاجرم چاره ای انگار به جز جنگ نماند  
قل تعالوا... به رخ هیچ کسی رنگ نماند

به رجز نیست در این عرصه یقین شمشیر است  
بر حذر باش که زنا، گریبان گیر است

کارزارش تهی از نیزه و تیر و سپر است  
بهراسید که این معرکه خون ریزتر است

بانگ توفانی القاره توفان آورد  
آنچه در چننه خود داشت به میدان آورد

با خود آورد به هنگامه عزیزانش را  
بر سر دست گرفته است نبی جانش را

عرش تا عرش ملائک همه زنجیره شدند  
به صف آرایی آن پنج نفر خیره شدند

پنج تن، پنج تن از نور خدا آکنده  
آفتابان ازل تا به ابد تابنده

دفترم غرق نفس های مسیحایی شد  
گوش کن، گوش کن این قصه تماشایی شد

با طمانیه خود راه می آمد آرام  
دست در دست پیدا... می آمد آرام

دست در دست پیدا... چه در سردار  
حرفی انگار از این جنگ فراتر دارد

ایها الناس من از پاره تن می گویم  
دارم از خویشتن خویش سخن می گویم

آن که هر دم نفسم با نفسمش مأنوس است  
آن که با ذات خدا «عزوجل» ممسوس است

من علی هستم و احمد من و او خویشتنیم  
او علی هست و محمد من و او خویشتنیم

نه فقط جسم، علی روح محمد باشد  
یک تنه لشکر انبوه محمد باشد

دیگر اصلا چه نیازی است به توفان، به عذاب  
زهره معرکه را اخم علی می کند آب

الغرض مهر رسولانه او توفان کرد  
راهبان را به سر سفره خود مهمان کرد

مست از رایحه زلف رهایش گشتند  
بادها گوش به فرمان عبایش گشتند

می رود قصه ما سوی سرانجام آرام  
دفتر قصه ورق می خورد آرام آرام



## وقتی فرزند پیامبر (ص)

## مسیحیان را دوباره شرمگین کرد

همه سکوت می کنند. خلیفه، فرمان می دهد تا جاثلیق و راهبان مسیحی برای طلب باران دست به آسمان بلند کنند و از خداوند بخواهند تا بار دیگر، باران رحمتش را بر آنان نازل کند. طولی نمی کشد که دست های آنان رو به آسمان برافراشته می شوند. همان دم در آسمان ابرهای باران را ظاهر شده و باران همه صحرا را در خود می گیرد. امام (ع) راهبی را نشان داده، فرمان جست و جو در لابه لای انگشتان او را صادر می کند. غلام حضرت به تندی دور آن راهب را می گیرد و در مقابل چشمان مردم به جست و جوی دستش می پردازد. شیء کوچک و سیاه فامی را از میان انگشتانش بیرون می آورد و به ابن الرضا تحویل می دهد. آن حضرت خطاب به راهب مسیحی می فرماید:

- اینک، طلب باران کن.

راهب باردیگر دست هایش را به سوی آسمان بلند می کند. این بار نیز چشم ها به آسمان دوخته می شوند. ابرها در حال جابه جایی است و خورشید از پشت تراکم ابرهای سرگردان، نمایان می شود.

رنگ از صورت جاثلیق و راهبان مسیحی پریده است. آنها بیش از این، تحمل نگاه های ملامتگر و نیشخند های مردم را ندارند؛ با سرفاکنندگی به سوی خانه های خود بازمی گردند. مردم که حسابی شگفت زده شده اند، به ابن الرضا چشم می دوزند. خلیفه در حالی که به آن شیء خیره شده است، می پرسد:

- ای پسر رسول خدا! آن چیست؟

- این، استخوان پیامبری از رسولان الهی است که راهبان مسیحی از قبور آنان برداشته اند؛ استخوان هیچ پیامبری ظاهر نمی گردد، مگر آن که «باران» نازل شود.

همراهی او به صحرا بروند و و به شیوه مسیحیان به نماز و عبادت بپردازند و از خداوند، طلب باران کنند. عجیب اینجاست که بعد از این حرکت مسیحیان، باران شهر سامرا را در خود می گیرد و مسیحیان از این فرصت استفاده کرده، کاروان تبلیغاتی راه می اندازند و برخی مسلمانان نیز با دیدن آن همه باران، به مسیحیت علاقه مند می شوند. راهبان مسیحی دست از کار خود بر نمی دارند و روزهای بعد هم به صحرا می روند، عبادت می کنند و باز هم باران شهر را فرا می گیرد و حتی رودخانه های خشک اطراف شهر هم دوباره پر آب می شود.

ماجرا به گوش خلیفه می رسد و او می داند که تنها راه رهایی از این مخصصه، ابامحمد حسن بن علی است که در زندان اوست. امام را فرامی خواند و ایشان با خونسردی، می گویند که از راهبان مسیحی بخواهید تا فردا نیز برای خواندن نماز باران به صحرا بروند!

وقتی دلیل این امر را از ایشان می پرسند، امام (ع) می گوید: به اسقف بزرگ و راهبان مسیحی اطلاع بده تا فردا به صحرا بیایند؛ به جارجیان هم بگو مردم را خبر کنند تا شاهد کشف «حقیقت» باشند.

فردا جمعیتی بی مانند در اطراف شهر سامرا گرد می آیند و همه منتظرند تا ببینند امام عسکری (ع) چه در سر دارند و آیا ماجرای مباهله اجداد ایشان تکرار خواهد شد یا نه. این بحث ها و مجادلات تاجایی پیش رفت که مسلمانان خود به چند دسته شدند، گروهی معتقد بودند امام توانایی شکست مسیحیان را دارد و گروهی به مسیحیان تمایل داشتند. در این میان با ورود خلیفه و درباریان به صحرا، در حالی که امام نیز همراه آنان است،

مباهله مشهوری که در زمان پیامبر اسلام (ص) روی داده و در آیه ۶۱ سوره آل عمران به آن اشاره شده است، تنها مباهله ای نیست که در تاریخ اهل بیت (ع) اتفاق افتاده، بلکه مباهله ای دیگر هم در زمان امامت حضرت امام حسن عسکری (ع) روی داده است که اغلب مردم درباره آن اطلاع زیادی ندارند.

این مباهله، در جلد ۵ بحار الانوار و جلد چهارم مناقب آل ابی طالب، به آن اشاره شده است و در این نوشتار می خواهیم درباره آن اطلاعاتی به شما بدهیم. همان طور که می دانید در زمان خلافت عباسیان، مباحث فکری و نظری در جهان اسلام رونق گرفته بود و فرقه ها و دسته های مختلف فکری در چهار گوشه جهان اسلام که آن زمان بسیار پهناور هم بود، در حال تبلیغ برای اعتقادات خود و پیدا کردن طرفداران تازه و معتقدان جدید بودند.

یکی از دسته های مهمی که به تبلیغات فکری و اعتقادی دست زده و توانسته بودند طرفداران زیادی برای خود دست و پا کنند، مسیحیان بودند که در استفاده از فرصت های تبلیغی بسیار خوب هم عمل می کردند. مثلا در یک زمان که خشکسالی و کم آبی بر سرزمین های اسلامی مستولی شده بود، مسلمانان در صفوف طولانی چند بار اقدام به خواندن «نماز باران» کردند. نتیجه ای از این نمازها و صف های طولانی و پشت سرهم نمازگزاران، به دست نیامد و هیچ بارانی پشت این دعاها و نمازها نبود.

در این زمان «جاثلیق»، اسقف بزرگ مسیحی در آن دوران، راهبان مسیحی را به صف کرد و از آنان خواست پس از شنیدن صدای ناقوس کلیساها به



در روایتی از امام رضا (ع) وجود دارد که بالاترین فضیلت امیرالمومنین که حتی از سایر فضیلت های دیگر اعم از حدیث منزلت و حدیث غدیر نیز بالاتر است همین مباحله است. از نظر اهل سنت نیز مرحوم قاضی نورانی... شوشتری در کتاب احقاق الحق از ۶۰ منبع سنی نقل کرده که نزول آیه مباحله را برای امیرالمومنین و فضیلت آن را برای ایشان ثابت می دانند

سعید طاووسی مسرور؛ استاد دانشگاه علامه طباطبایی:

# عید مباحله؛ اتفاق شیعه و سنی بر فضیلت امیرالمومنین (ع)



طلب می کنند که خداوند بر دروغگویان غضب کرده و گروه اهل حق را سرفراز کند. مسیحیان پیشنهاد مباحله را می پذیرند. پیامبر از آنها می خواهد که خودشان با فرزندان و زنان شان برای مباحله بیایند. در اینجا نکته این است که ظاهراً مسیحیان زنان شان را در این سفر همراه خود نبرده بودند اما پیامبر از آنها بدین شکل دعوت می کند تا آنها را همراهی کنند. البته در این مسأله این مورد را اضافه کنم که منظور پیامبر و قرآن از زنان به طور کلی جنس زن است و فرقی ندارد اگر مادر، دختر یا همسر باشد.

روزی که مسیحیان برای مباحله رفتند، سه شخصیت اصلی کلیسای نجران و سایر بزرگان حاضر بودند اما در آن سو پیغمبر با اهل بیت خود برای مباحله رفته بود. نکته مورد توجه دیگر این است که پیامبر در مباحله کبار اصحاب خود را در این ماجرا نبرده بود. یعنی در مباحله، مثلاً عمار یا سلمان، پیامبر را همراهی نکرده بودند و این اقدامی معنادار از سوی پیامبر بود. نتیجه این که وقتی مسیحیان می بینند پیامبر با اهل بیت خود برای مباحله آمده با خودشان می گویند این آقا اکنون هر چه از خدا بخواهد، اتفاق می افتد زیرا آن قدر به ادعای خود ایمان دارد که عزیزترین افرادش را در معرض مباحله قرار داده و مشخص می شود این پیامبر تردید و شکی ندارد.

نه آن گونه که باید از جریان و روایت آن روز می دانیم و نه حتی برای دانستنش سوالی برابیمان پیش آمده است. ماجرای روز مباحله در تاریخ اسلام، با وجود این که در قرآن کریم ذکر و در آیه مختص به آن ماجرا، به مباحث به فضیلت امیرالمومنین اشاره شده اما در روزگار ما کمتر توجهی برای بزرگداشت این روز داشته ایم. بسیاری از ما تنها جزئیاتی از آن ماجرا نمی دانیم که حتی از روایت کلی آن نیز باخبر نیستیم. در گفت و گو با دکتر سعید طاووسی مسرور استادیار شیعه شناسی گروه تاریخ دانشگاه علامه طباطبایی، به طور تفصیلی به تشریح ماجرای روز مباحله و اهمیت این روز در منابع شیعی و سنی پرداخته ایم.

بپردازیم، شاید او با ادله ای که مطرح می کنیم از پس ما بر نیاید و پاسخی برای مانداشته باشد. بر همین اساس، هیاتی ۱۰ نفره به سمت مدینه می روند که در این هیات، سه شخصیت اصلی و بزرگان کلیسای نجران نیز حضور داشتند. پس از سفر این هیات به مدینه گفت و گو هایی در رابطه با اعتقاد مسلمانان نسبت به حضرت عیسی و حضرت مریم شکل می گیرد. از آنجا که در مسیحیت، اعتقاد به الوهیت حضرت مسیح در طول شش قرن فاصله میان پیامبر ما و حضرت مسیح شکل گرفته بود؛ اما این مسأله در اسلام نفی شده است و به همین دلیل نیز مباحث پیش آمده میان مسلمانان و هیات مسیحی به نتیجه نمی رسد. پس از آن پیامبر از آنها دعوت می کند که مباحله کنند. مباحله حرکتی دوطرفه است که دو نفر، دو گروه یا دو دسته در جایی جمع می شوند و از خدا

**۱۴ روز مباحله در روایات و نقل های تاریخ اسلام چگونه نقل شده است؟**

مسیحیان نجران اقلیت مهم دینی در شبه جزیره عربستان بودند. در حقیقت نجران در یمن قرار گرفته و فاصله بسیار زیادی با مدینه دارد. وقتی که اسلام فراگیر می شود و پیامبر اکرم مکه را فتح می کند، در سال نهم هجرت دسته دسته قبایل مختلف اسلام می آورند. آن سال به عام الوفود مشهور است، وفود در اصطلاح به معنای هیات نمایندگی است و بدان معناست که از قبایل هیات های نمایندگی خدمت پیامبر می رفتند و اسلام می آوردند. لذا مسیحیان نجران احساس خطر می کنند و با خود می گویند که یا ما باید خودمان اسلام بیاوریم یا این که دیر یا زود برای اسلام آوردن سراغ ما می آیند. بنابراین خودمان به مدینه برویم و با پیامبر دین جدید به گفت و گو



زینب مرزوقی  
گروه فرهنگ و هنر

شعر امروز

امیررسولی

## حق با که بود؟

حق با که بود؟ آن که نمی دانست، دید آن روز  
با چار آیینه پیمبر تا رسید آن روز  
وحی خدا تعبیر لبریز از زلالی را  
با آیه های آل عمران آفرید آن روز  
با این که ابر تیره نفرین رسید اول  
بارید در پایان ولی باران عید آن روز  
پر بود از تاریکی آن کس که افق هایش  
دید آفتاب باوری را که دمید آن روز  
از عطر و گل ها دید آن که چار فصلش را  
لیخند و رنگ از روی و لب یک یک پرید آن روز  
چشم پیمبر بی صدا از آسمان می گفت  
گوش زمین اما صدایش را شنید آن روز  
آن گونه بردین و خدای خویش باور داشت  
بودند آنان را که از خود، برگزید آن روز  
«آبنا» و دخترش را با خودش آورد  
پای علی را هم به این قصه کشید آن روز  
همراه دارد جان و نفس خویش را وقتی  
پی برد باید نیست جز او رسفید آن روز  
باور نکرده، می شناسد آن که حیدر را  
لرزیده باشد لحظه ای هم مثل بید آن روز  
در حشر هم باشیم با او کاش و افسوس است  
با هر کسی که غیر از این دارد امید آن روز

مجتبی خرسندی

## دوچندان

هم جن بیاورید، هم انسان بیاورید  
یک لشکر بزرگ به میدان بیاورید  
از سنگ های سخت که بالای کوه هاست  
تاریک های ریز بیابان بیاورید  
هم مرده های جنگی و یل های غول کش  
هم اسب های سرکش تازان بیاورید  
آورده اید هر چه که در چننه داشتید  
اما اگر کم است، دوچندان بیاورید  
من با کتاب وحی می آیم ولی شما  
صدها هزار حجت و برهان بیاورید  
من با علی و فاطمه و بچه هایشان  
اما شما سپاه فراوان بیاورید  
این پنج تن برای زمین و زمان بس است  
حتی اگر هزاران بیاورید  
این معجزه به معنی اتمام حجت است  
وقتش رسیده است که ایمان بیاورید



واقعه نوشت



اسفرائینی درباره واقعه مباحله چه نوشت؟

پیغمبر (ص) همی گفت: «من دعا کنم، شما آمین کنید!»  
چون ایشان را دید، گفت: «من روی‌هایی را همی بینم که اگر از خدای عزوجل بخواهند که کوه را از جای خود بردارد، چنان باشد. زینهار با ایشان مباحلت نکنید که هلاک شوید و هرگز بر روی زمین هیچ ترسانماند.» پس روی به پیغمبر آوردند و گفتند: ما چنان همی بینیم که با تو مباحلت نکنیم و تو را بر دین تو بگذاریم و ما بردین خویش باشیم. پیغمبر (ص) گفت: «اگر چنان است که از مباحلت همی باز ایستید، مسلمان شوید تا شما را بُود آنچه ما را بُود و بر شما بُود آنچه بر ما بُود.» گفتند: ایمان نیاوریم! پیغمبر (ص) گفت: «من باشما حرب (جنگ) کنم.» گفتند: ما را با حرب طاقت نباشد و لکن ما با تو صلح کنیم بر آن که از سوی ما غزا (جنگ) نکنی و ما را بیمناک نداری و ما را از برزیدن دین باز نداری (از مسیحی بودن ممانعت نکنی) بدان که هرسالی دو هزار حله تو را بدهیم؛ هزار اندر ماه صفر و هزار اندر ماه رجب.  
پیغمبر (ص) براین جمله با ایشان صلح کرد، گفت: «به آن خدای که جان محمد به فرمان وی است که اگر وفد نجران ملاعت کردند، خدای تعالی ایشان را مسخ کردی تا همه خوک گشتندی و آتشی اندر ایشان افتدی... و سال برجمله ترسان نیامدی (به پایان نمی‌رسید) که نه همه هلاک شدند.»

کتاب ارزشمند «تاج التراجم فی تفسیر القرآن للأعاجم»، نوشته عمادالدین اسفرائینی یکی از قدیمی‌ترین تفسیرهای قرآن به زبان فارسی است که از قرن پنجم هجری به دست ما رسیده است و در دوران معاصر، نجیب‌مایل هروی و علی‌اکبر الهی خراسانی آن را تصحیح کرده‌اند.  
در صفحات ۳۷۱ و ۳۷۲ جلد اول این کتاب درباره واقعه مباحله چنین آمده است: «... و چون پیغمبر (ص) این آیت بروفد (هیات) نجران خواند و ایشان را به مباحلت خواند. یعنی به لعنت کردن آن کسی که دروغ زن باشد. ایشان گفتند: «تا بازگردیم و بنگریم اندر کار خویش و فردا باز آییم.» پس با یکدیگر شدند، «عاقب» را گفتند: چه بینی؟ گفتا یا ترسان (=مسیحیان) بدانسته‌اید که محمد (ص) نبی مرسل است و آنچه حقیقت کار عیسی است شما را بگفت و هرگز هیچ‌کسی با نبی‌ای از انبیا لعنت نکردند که نه هلاک شدند، اگر شما نیز کنید، هلاک شوید. اگر چنان است که همی گوید که به وی ایمان نیاوریم از بهر آنکه با دین خویش الفت گرفته‌ایم، با وی صلحی بکنید و با شهرهای خویش شوید.»  
دیگر روز آمدند ایشان و پیغمبر (ص) همی آمد و حسن (ع) را برگرفته و امیرالمؤمنین (ع) حسین (ع) را دست گرفته و فاطمه (ع) از پی ایشان همی رفت.

مباحله کنند. دست یکدیگر را می‌گیرند و همدیگر را نفرین می‌کنند. فردای آن روز دست آن قاضی سیاه می‌شود و قاضی می‌میرد. در رجال نجاشی آمده است که اثر آن واقعه آن قدر بود که پس از آن علمای اهل سنت سهوانی را احترام می‌کردند و مقام و منزلت او را بزرگ می‌داشتند. بنابراین مباحله بدین شکل شاید با پیغمبر اکرم به منصفه ظهور رسیده است اما پیش و پس از این ماجرا به طور کلی وجود داشته است.

۱) اهمیت روز مباحله در نقل‌های تاریخی ما چگونه روایت شده است؟

جا دارد ما از روز مباحله به عنوان عید مباحله یاد کنیم. در منابع شیعه اعمالی که برای این روز رسیده، اعمالی است که برای اعیاد و روزهای مبارک سفارش شده است. از اعمال روز مباحله غسل است و دیگری روزه است. روزه در اسلام علاوه بر ماه رمضان، به جز عید فطر و عید قربان در اعیاد و روزهای مبارک در تاریخ اسلام بسیار سفارش شده است. همچنین روز مباحله نماز مخصوص به خود دارد که کمی پیش از ظهر خوانده می‌شود. به جز تمام این موارد؛ برای روز مباحله دعای خاصی از امام صادق رسیده است.

به نظر می‌رسد که روز مباحله از روزهای مورد تاکید در مکتب اهل بیت بوده و شیعیان را گرمی می‌داشتند اما متأسفانه در روزگار ما به حاشیه رفته است. البته در چند سال اخیر، ما شاهد رشد توجه به مباحله نیز هستیم که این روند باید تداوم پیدا کند. بنده معتقدم ما باید روزهایی که ویژگی خاصی برای امیرالمومنین دارد را بزرگ کنیم. ما پیروان علی بن ابی‌طالب و محب ایشان هستیم اما واقعیت این است که برخی روزهای مختص به حضرت امیر به حاشیه رفته است. مثالیله المبیث که شب اول ماه ربیع‌الاول است، عده‌ای با ادامه عزاداری؛ هیچ اهمیتی به این روز مبارک نمی‌دهند. خوب است اگر متولیان امر با برگزاری کارهایی مانند مسابقه کتابخوانی، جشن، شادی یا ایجاد فضای رسانه‌ای ویژه؛ اذهان را به سمت روز مباحله و فضائل امیرالمومنین متوجه کنند.

از این رو مسیحیان حاضر نمی‌شوند مباحله کنند اما اسلام نیز نمی‌آورد و جزیه را می‌پذیرند یعنی تحت پوشش حکومت مدینه می‌روند و جزیه می‌پردازند.

من در برخی منابع دیدم که دو نفر از برجسته‌ترین شخصیت‌های هیات مسیحی، در سال بعد یعنی در سال دهم هجرت به مدینه بازمی‌گردند و اسلام می‌آورند که این نشان می‌دهد این افراد حقانیت پیامبر را چشیده بودند.

۲) نکته قابل توجهی که در مباحله است آیه آن است و مصادیق عبارات آیه چگونه تعبیر شده‌اند که امام علی، جان پیامبر خطاب می‌شود؟

مصادیق عبارت نساننا حضرت زهرا، مصادیق ابناؤنا حسنین و مصادیق انفسنا نیز پیامبر و حضرت امیرالمومنین است. یعنی امیرالمومنین جان پیامبر است. این گونه نیست که ما از این آیه درک غالبانه‌ای داشته باشیم و فکر کنیم که پیامبر و امام علی یکی هستند. بلکه این آیه نشان دهنده شان و منزلت امام علی است.

۳) روایت ماجرای مباحله در کتب اهل تسنن و شیعی متفاوت است. آیا اختلافی در خصوص این روز وجود دارد؟

در روایت مباحله میان شیعه و سنی اختلافی وجود ندارد و از نظر تاریخی به همین شکل نقل شده است. آن چیزی که محل سؤال است این که آیا این آیه دلالتی بر فضیلت امیرالمومنین دارد یا نه؟ برداشت ما این است که دلالت بر فضیلت امام علی دارد. در روایتی از امام رضا وجود دارد که بالاترین فضیلت امیرالمومنین که حتی از سایر فضیلت‌های دیگر اعم از حدیث منزلت و حدیث غدیر نیز بالاتر است؛ همین مباحله است. از نظر اهل سنت نیز مرحوم قاضی نور... شوشتری در کتاب احقاق الحق از ۶ منبع سنی نقل کرده است که نزول آیه مباحله را برای امیرالمومنین و فضیلت آن را برای ایشان ثابت می‌دانند. در آثار مختلفی نیز آمده است. از جمله شری که ظاهریکی از اشعاران هندی چند قرن قبل آن را سروده و استاد پرویز بیگی حبیب‌آبادی آن را در شعرش تضمین کرده نشان دهنده اتفاق شیعه و سنی در ماجرای مباحله و فضیلت امیرالمومنین در این ماجراست. در این شعر آمده است که: علی را قدر، پیغمبر شناسد / که هرکس خویش را بهتر شناسد. این یکی از زیباترین ابیاتی است که مبتنی بر قرآن کریم و در مدح امیرالمومنین است.

۴) آیا مباحله پیش از ماجرای مسیحیان نجران مرسوم بود یا این ماجرا از آن اتفاق بنا نهاده شد؟

به این شکل شاید مستندی برای آن نداشته باشیم اما انبیاء به طور کلی وقتی با لجبازی قوم خود روبه‌رو می‌شدند، چنین کاری را انجام می‌دادند. در ابتدا جلسه‌ای را برای ارشاد و تبلیغ می‌گرفتند اما وقتی افراد قوم نمی‌پذیرفتند؛ پیامبران وعده عذاب را به قوم‌شان می‌دادند. بعضی‌ها منکر می‌شدند و بعضی‌ها پیامبران را مسخره می‌کردند. در کل چنین فضایی مبتنی بر عذاب الهی وجود داشت و مباحله نیز صورت دیگری از این قضیه است. اما در کل مباحله تنها به انبیاء اختصاص ندارد. در کتاب رجال نجاشی آمده است که یکی از علمای شیعی به نام سهوانی که از اصحاب امام موسی کاظم بود؛ با قاضی موصل که از مخالفان شیعه بوده قرار می‌گذارند تا با هم





ابوالفضل رشیدالدین میبیدی از دانشمندان بزرگ شافعی و عارف بنام قرن ششم هجری است. وی که شافعی مذهب است، از نویسندگانی است که مشرب عرفانی او در نوشته‌هایش بخصوص در شاهکارش کشف الاسرار و عده الابرار نوشته شده در قرن ششم هجری به خوبی روشن است. نثر زیبا و پر خون و نگرش عارفانه به تفسیر میبیدی، رنگ خاصی داده است

روایتی ادبی از آنچه در روز بزرگ مباحله اتفاق افتاد

## پله پله تا مباحله



عبدالرحیم سعیدی زاد  
شاعر و نویسنده

۱ از وقتی عطر نام محمد (ص) در نبض کوچه‌های مدینه پیچید، آفتاب، مهربان تر از همیشه می‌تابید. سایه بیدها به خانه همسایه می‌رسید. عشق در کوچه‌ها تکثیر می‌شد و نخل‌های حجاز عاشقانه به او و کلام آسمانی‌اش ایمان آورده بودند اما هنوز برخی از «نجرانیان»، در بند تاریکی درون خویش اسیر بودند. تا این که او نامه‌ای از مهر؛ بر بال پروانه‌ای نوشت و به سمت «أسقف» آنها راهی کرد.

پروانه خود پیامبری شد نورانی و به سمت پیله‌ها گرفتار تارهای عنکبوت رفت و پیغام رهایی را به آنها رساند. افسوس افسوس، هیچ پروانه‌ای از پیله‌تهایی‌اش بیرون نخزید.

۲ فرشته وحی، در جان نورانی‌ات فرود آمد. هدیه‌ای داشت؛ در سیدی انباشته از گل‌های سلام و صلوات؛ به نام: مباحله... و قرار شد که خداوند داوری کند.

۳ خورشید، انگشت بر لب، مکث می‌کند. نبض زمین تندتر می‌زند. نخل‌ها با گیسوان پریشان از پشت جمعیت سرک می‌کشند. رودی از مردم جاری شده‌اند تا شاهد ماجرای جاودان باشند.

۴ هر دو می‌آیند. از یک سو «ابو حارثه»؛ پیر و شکسته و عصازنان... با قلبی سرشار از دلشوره و نگرانی، همراه با جمعی که جزسایه‌ی رانمی‌شناسند.

از روبه‌رو؛ شانه به شانه نسیم صبح؛ مردی می‌آید آرام و سبک روح. با تسمی شیرین و دلریا. زمین به گام‌هایش بوسه می‌زند. ملایک عطر رد پایش را برای تبرک و سوغات به آسمان می‌برند. او محمد (ص) ست که نوه کوچکش را در آغوش دارد و دست دیگر نوه‌اش را محکم گرفته است. در یک طرف دخترش فاطمه و در طرف دیگر، دامادش علی؛ هم‌قدم او شده‌اند.

۵ صدای لرزانی سکر سکوت را می‌شکند؛ برگردید!... این را «ابو حارثه» می‌گوید و زیر لب زمزمه می‌کند: اگر با سپاه ابرو باد و توفان می‌آمد با او مبارزه می‌کردیم اما او با همین کودکی که در آغوش دارد، اگر از خدا بخواهد کوه را از جای می‌کند. ما که چیزی نیستیم....

۶ در روز «مباحله»، آفتاب لبخند می‌زند. زن‌های عرب کل می‌کشند و شمشادها به رقص می‌آیند. صدای روشن اشهدان لاله‌الا... از سمت سپاه تاریکی به گوش می‌رسد. همین!

### متون کهن

## مباحله به روایت «کشف الاسرار»

را از مهتران خویش بشنیدند، همه بترسیدند و از مباحلهت باز ایستادند و طلب صلح کردند و جزیت بپذیرفتند، به آن که هر سال دو هزار حله بدهند، هزار در ماه صفر و هزار در ماه رجب. مصطفی (ع) با ایشان در آن [توافق نامه] صلح بست. آن که رسول خدا (ص) گفت: «سوگند به کسی که جان من در دست قدرت اوست اگر مباحله می‌کردند به صورت میمون و خوک مسخ می‌شدند...»

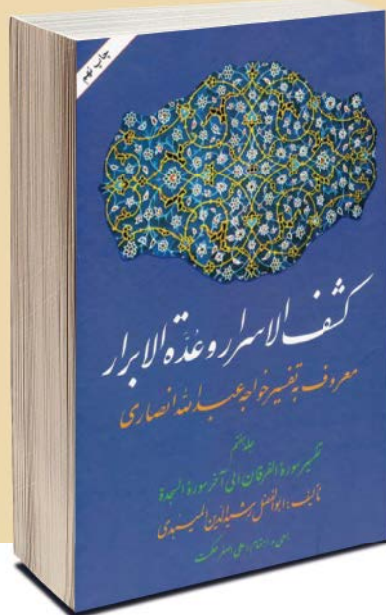
مصطفی (ص) گفت: «آتش آمده بر هوا ایستاده، اگر ایشان مباحله کردند در همه روی زمین از ایشان یکی نماندی» و اصحاب مباحله پنج کس بودند: مصطفی (ص) و زهرا (س) و مرتضی (ع) و حسن (ع) و حسین (ع). آن ساعت که به صحرا شدند رسول ایشان را با پناه خود گرفت و گلیم (عبا) برایشان پوشانید و گفت: «اللهم، إن هؤلاء أهلی؛ پروردگارا اینان خاندان و اهل بیت من هستند». جبرئیل آمد و گفت: «یا محمد (ص)؛ وانا من اهلکم؛ چه باشد یا محمد اگر مرا نپذیری و در شمار اهل بیت خویش آری؟»

رسول (ص) گفت: «یا جبرئیل و أنت منا» آن که جبرئیل بازگشت و در آسمان‌ها می‌نازید و فخر می‌کرد و می‌گفت: «من مثلی؟ و انا فی السماء طاووس الملائکه و فی الأرض من اهل بیت محمد (ص)؛ چون من کیست که در آسمان رئیس فرشتگانم و در زمین از اهل بیت محمد (ص) خاتم پیغامبرانم.»

گفته‌اند روز مباحلهت، روز بیست و یکم از ماه ذی حجه بود. مصطفی (ص) به صحرا شد، آن روز دست حسن (ع) گرفته و حسین (ع) را در برنشانده و فاطمه (س) از پیس رفت و علی (ع) از پیس ایشان. مصطفی (ص) ایشان را گفت: چون من دعا کنم شما آمین گوید. دانشمندان و مهتران ترسایان چون ایشان را به صحرا دیدند بر آن صفت، بترسیدند و گفتند: «یا قوم، إنا نری وجوهاً لو سألو الله عزوجل أن یزیل جیلاً من مکانه لأزاله، فلا تبتهلوا فتهلکوا و لا یبقی علی وجه الأرض نصرانی إلی یوم القیامه»؛ [ای قوم! ما اینک چهره‌هایی را می‌بینیم که اگر از خدای بلند مرتبه بخواهند کوهی را از جای خود برکنند، این گونه خواهد شد پس مباحله مکنید که به هلاکت می‌افتید و دیگر بر روی زمین تا روز قیامت نصرانی باقی نخواهد ماند. ترسایان آن سخنان

ابوالفضل رشیدالدین میبیدی از دانشمندان بزرگ شافعی و عارف بنام قرن ششم هجری است. وی که شافعی مذهب است، از نویسندگانی است که مشرب عرفانی او در نوشته‌هایش بخصوص در شاهکارش

کشف الاسرار و عده الابرار نوشته شده در قرن ششم هجری به خوبی روشن است. نثر زیبا و پر خون و نگرش عارفانه به تفسیر میبیدی، رنگ خاصی داده است. روایت او از مباحله چنین است: «فقل تعالوا ندع أبناءنا و أبناءکم... ایشان را [ترسایان نجران] و مهتران ایشان. سید و عاقب. گوی بیابید تا خوانیم ما پسران خویش و شما پسران خویش و ما زنان خویش و شما زنان خویش و ما به خویشتن و شما خود به خویشتن، آن که مباحلهت کنیم. «مباحلهت» آن بود که دو تن یا دو قوم به کوشش مستقیمی یکدیگر را بفریبند و از خدای عزوجل لعنت خواهند از دو قوم بر آن که دروغ زن‌اند و «پهله» نامی است لعنت را «مباحلهت» و «تباهل» و «ابتهال» در لغت یکی‌اند و تفسیر ابتهال را خود [خدا] در عقب لفظ بگفت: «فجعل لعنه... علی الکاذبین.»





بررسی مباهله و دلایل ذکر نشدن آن در منابع مسیحی

# پافشاری بر تمایز، انکار پیامبر و تردید در باورها



مهراب  
صادق‌نیا  
استادیار دانشگاه  
ادیان و مذاهب

مباهله پیش از آن‌که در اسلام بیاید، در سنت عرب‌های آن زمان به عنوان آخرین راه برای گفت‌وگو به ویژه میان افراد خداوآورد وجود داشته‌است. در قرآن کریم نیز در گفت‌وگوی میان پیامبر اکرم و گروهی از مسیحیان، این مباهله اتفاق افتاد؛ چرا که مسیحیان مشترکات اعتقادی بسیاری به خصوص در مسأله توحید میان خودشان و مسلمانان احساس می‌کردند. البته در قرآن یک دسته نقدهایی به باورداشت‌های مسیحی مانند تثلیث و اعتقاد به خداوندگی عیسی نبی؛ وارد شده بود اما در عین حال رابطه میان مسلمانان و مسیحیان تا اندازه‌ای بدون چالش و نزاع بود.

هنگامی که مسیحیان در برابر دعوت پیامبر قانع نشدند، مباهله آخرین راه اثبات حقانیت پیامبر بود که باید اتفاق می‌افتاد و در قرآن کریم نیز روایت شده‌است. پیامبر اکرم با خاندان طاهرنش در این مباهله شرکت کردند و تقریباً یک مناظره اعتقادی شکل گرفت اما مناظره مبتنی بر دلیل و برهان منطقی نبود بلکه استدلال‌ها مبتنی بر ادله خداپرستانه بود، به این شکل که هر کدام از یک گروه در ادعای خود صادق نباشد، از سوی خدا به بلا گرفتار شود. امری که در این میان بسیار عجیب است، این است که ماجرا در سنت مسیحی روایت نشده و مسیحیان اشاره‌ای به این ماجرا نداشته‌اند.

البته منکر آن نیز نیستند و این‌گونه نیست که گفته باشند به طور کل، این گفت‌وگو میان پیامبر اسلام و راهبان مسیحی در تاریخ اسلام رخ نداده‌است، منتهی اشاره‌ای نیز به اصل واقعه نداشتند. از این جالب توجه‌ترین که اساسا مباهله به عنوان یک سنت مناظره در منابع مسیحی نقل نشده و در سایر موارد به جز مباهله با پیامبر نیز وارد نشده‌است و نه به عنوان یک رویه مناظره میان ادیان و مذاهب و نه به عنوان یک اتفاق تاریخی؛ مباهله روایت نشده‌است. البته منابعی که اکنون در دست است، جزئیات گفت‌وگوها و مناظره‌های مسیحیان میان مسلمانان در زمان خلفای اموی و عباسی و نامه‌هایی که در آن زمان میان مسیحیان و مسلمانان رد و بدل می‌شد؛ روایت شده‌است.

می‌آمد دقیقا همان معنایی رسانده می‌شد که اگر مباهله انجام می‌شد.

قرآن کریم وقتی نازل شد و اسلام آمد؛ پیامبر در گام نخست سعی داشت تا یهودیان و مسیحیان شبه جزیره را با خود همراه کند و قرآن کریم با ادبیاتی نازل شد که برای مسیحیان و یهودیان آشنا بود. اسلام سعی داشت به آنها بفهماند فاصله میان اسلام، مسیحیت و یهودیت کم است و اگر اختلافی اکنون وجود دارد دلیل آن دینداران هستند و نه اصل این سه دین.

چرا که قرآن کریم مومنان را کسانی معرفی می‌کند که به پیامبران و کتب قبل از اسلام نیز ایمان دارند و اسلام وجه کامل شده مسیحیت و یهودیت است همچنین ما یک دین بیشتر نداریم و آن هم اسلام است.

اسلام و قرآن در تلاش بود تا این مفاهیم را به یهودیان و مسیحیان القا کند که در این مسیر، مسیحیان همراهی و همدلی بیشتری با مسلمانان داشتند و گفت‌وگو و مناظراتی میان پیروان این دودین بود اما این مناظره‌ها شبیه مناظره‌هایی بود که مسلمانان با خودشان داشتند یعنی فاصله حقیقت در مباحث کم بود. برای همین مباهله یگانه راهی بود که می‌توانست اتفاق بیفتد و این دو گروه دین‌دار یعنی مسیحیان و مسلمانان به وجهی از حقانیت برسند. با این اوصاف هنگامی که مسیحیان از انجام آن شانه خالی کردند، این امر را نشان داد که از آن تاریخ به بعد، مسیحیان وارد یک مواجهه سخت‌تر با اسلام و مسلمانان شدند. پس از آن، سعی کردند اسلام را انکار کنند، پیامبر و قرآن را نپذیرند و بر تمایزشان با مسلمانان پافشاری کنند. قاعدتا حذف مباهله یا ذکر نکردن آن در منابع مسیحی، به پافشاری و پررنگ کردن تمایز میان اعتقادات مسلمانان و مسیحیان بازمی‌گردد.

به هر حال مباهله برای کشیشان مسیحی، قماری بود بر سر یک سنت دینی که آنها آورنده آن نبودند و در آنجا باید از آن سنت نیز دفاع می‌کردند. نیامدن پای مباهله نشان دهنده تردید بود و دقیقا به دلیل همین تردید در سنت‌ها هم می‌توان یکی دیگر از دلایل ذکر نشدن مباهله در منابع تاریخی سنت مسیحیت را حدس زد تا این تشکیک و تردید افشان شود.

## اثبات حقانیت اسلام

همچنین حضور نیافتن کشیشان مسیحی، نتیجه آن حقانیت پیامبر بود. چه مباهله انجام می‌شد و چه حالا که ترک شد و مسیحیان حضور نیافتند؛ نتیجه آن یکی است و آن، اثبات حقانیت اسلام است. اگر این مباهله ذکر می‌شد، معنایش دقیقا همین حقانیت اسلام و برحق نبودن سنت مسیحیت بود؛ چرا که اگر در منابع

در حقیقت مباهله یک تحدی و به مبارزه طلبیدن بود اما نه به شکل برهان و استدلال. به این شیوه که اگر شما چنان که می‌گویید، باور دارید و آن چنان که ادعا می‌کنید نیز در واقعیت حق هستید؛ به مباهله بیایید. وقتی به مباهله نیامدند یعنی در اعتقادات شان و حقیقت آن تردید داشتند و این‌که این ماجرا در منابع شان نقل نشده نشان دهنده صحت بر تردید آنهاست. این حذف، دلایل دیگری نیز می‌تواند داشته باشد که خوشبینانه‌ترین دلیل می‌تواند عمدی نبودن حذف ماجرای مباهله است و صرفا به دلیل کم‌اهمیت بودن ماجرا از منظرشان حذف شده‌است. اما به گمان بنده، با توجه به اهمیت مباهله در میان گفت‌وگوهای مسیحیان با مسلمانان؛ حذف شدن عمدی آن؛ بعید نیست به دلیل شکستی باشد که در ماجرای مباهله داشته‌اند و تمایلی به اشاره به این شکست نداشته باشند.

## شک در باورها

مسیحیان وقتی صداقت پیامبر را دیدند، شک کردند. در مباهله دو دسته اعتقادی در تحدی بودند و یک طرف ماجرا پیامبر بود و طرف دیگر بزرگان کلیسای نجران. در یک طرف، چنان به اعتقادات خودشان ایمان داشتند که نزدیک‌ترین افراد خود را پای مباهله آوردند. یعنی خود پیامبر و اهل بیت. در طرف دیگر اما افراد متکثری بودند که حتی بنیانگذار دین مسیحیت نبودند، بلکه مفسران سنت مسیحیت در روزگارش بودند. به همین دلیل آن جزمیت و اعتماد به عقاید در مسیحیان وجود ندارد و بر همین اساس به این مباهله تن نمی‌دهند. طبیعی است اگر مفسران همواره به اندازه آورندگان یک دین، ایمان و باور نداشته باشند، همواره گرفتار شک و تردید خواهند شد و احساس می‌کنند نکند فهم خودشان یا افرادی که باورهای سنت مسیحی بر اساس تفسیر آنها شکل گرفته، نادرست باشد.

## ترس از مباهله

ماجرای مباهله در منابع مسیحی روایت نشده‌است. این روایت نشدن مباهله از سوی مسیحیان دلایل مختلفی می‌تواند داشته باشد. می‌تواند یک حذف عمدی باشد و تمعدا این ماجرا از سوی مسیحیان روایت نشده چرا که ماجرای مباهله و تن ندادن بزرگان مسیحیت نجران، برای مسیحیان شکست بزرگی به شمار می‌آید.

زیرا اگر بزرگان کلیسای نجران مانند پیامبر به باورداشت‌های خودشان راسخ می‌بودند، قاعدتا باید به این مبارزه تن می‌دادند و بدون ترس مباهله می‌کردند. اما همین که حاضر به مباهله نشدند، نشان می‌دهد تردیدهایی در اعتقاداتشان داشتند.

در تفسیر نمونه آمده است: بنا بر روایتی، اسقف مسیحیان به همراهان خود گفت  
من چهره هایی را می بینم که اگر از خدا بخواهند کوه ها را از جا برکنند  
چنین خواهد کرد. هرگز با آنان مباحله نکنید که هلاک خواهید شد  
و یک مسیحی تا روز قیامت بر روی زمین باقی نخواهد ماند

چند برداشت از ماجرای مباحله به روایت استاد سید محسن میرباقری

# از اثبات اعجاز اسلام تا درس های کریمانه پیامبر (ص)

تاریخ صدر اسلام سراسر رویداد است. رویدادهایی که از چند جهت می توان آنها را تحلیل و بررسی کرد. یکی از این ماجراها مباحله است. اتفاقی که از رویارویی دو دین ابراهیمی در یکی از حساس ترین برهه های تاریخی می گوید. در ماجرای مباحله از اهمیت اثبات حقایق عقاید دین پیامبر خاتم به پیروان سایر ادیان گرفته تا معرفی اهل بیت به عنوان خاندان عصمت و طهارت به امت اسلامی و درس اخلاق رسول... به امتش، می توان سخن گفت. دکتر سید محسن میرباقری روایتگر این اتفاق از زبان قرآن است. او درباره اهمیت ماجرای مباحله و آثار آن در جهان اسلام با ما به گفت و گو پرداخت.

استاد سید محسن میرباقری؛ خادم قرآن، پژوهشگر برتر علوم قرآنی و از مفسران قرآن است که در کنار تحصیلات حوزوی در دانشگاه نیز تا مقطع دکتری علوم قرآنی به تحصیل پرداخته است. «جبر و اختیار یا سیمای مختار انسان در قرآن کریم»، «ظاهر قرآن باطن قرآن»، «به رنگ محبوب» و «پیامبر اکرم شاهد بر اعمال همه انسان ها» برخی از کتاب هایی است که به قلم این مفسر پیشکسوت در کنار ده ها مقاله به رشته تحریر درآمده است.



نازلی مروت  
روزنامه نگار



## چرا ماجرای مباحله رخ داد؟

یکی از ویژگی های بزرگان بهود و مسیحیان در دوره پیامبر (ص) این بود که بسیار مغرور بودند و گمان می کردند که از اولیاء... و محبوب درگاه خدا هستند؛ یهودیان استکبار نژادی شدید داشتند و مسیحیان که اهل رهبانیت بودند، برای خود جایگاه ویژه ای قائل بودند. با وجود این تفکر نام رسول خاتم در عربستان و مناطق دیگر پیچیده و محبت او در دل ها جا گرفته بود. از این روی مسیحیان نجران زمانی که به مدینه آمدند به فکر مناظره و مباحثه با پیامبر (ص) افتادند. آنها با لباس های فاخری نزد پیامبر رفتند، ولی رسول... آنها را نپذیرفتند تا زمانی که با لباس ساده و مانند مردم عادی خدمت حضرت شرفیاب شدند، زیرا شخص پیامبر (ص) این چنین بود.

از امام صادق (ع) در تفسیر نورالتقلین ذیل آیه مباحله و در شرح ماجرای مذکور آمده است: گروهی از مسیحیان نجران نزد پیامبر اکرم (ص) آمدند و گفتند به چه چیز دعوت می کنی؟ رسول خدا فرمودند به این که گواهی دهید که اول جز «...» خدایی نیست. دوم من پیامبر خدا هستم. سوم حضرت عیسی بنده خدا بود و می خورد و می نوشید. پس از گفت و گو بسیار، گروه مسیحی حاضر به پذیرش حق نشدند و قبول نکردند که عیسی (ع) بنده خداست. در این هنگام آیه مباحله نازل شد. پیامبر اکرم به آنان فرمود بیایید یکدیگر را نفرین کنیم. اگر حق با من بود، لعنت خدا بر شما نازل شود و اگر حق با شما بود، لعنت خدا بر من نازل

شود. آنان پذیرفتند، قرار شد فردای آن روز در مکانی حضور یابند و مباحله کنند. هنگامی که نزد رؤسای خود بازگشتند و مطلب را بازگو کردند، سران شان گفتند اگر او قوم خود را آورد، پیامبر نیست و اگر تنها خانواده اش را آورد، حتما پیامبر خداست. روز موعود پیامبر اکرم همراه با علی (ع)، فاطمه (س)، حسن (ع) و حسین (ع) به جایگاه مباحله رفتند که الان پشت قبرستان بقیع با نام مسجد مباحله یا مسجدالاجابه شناخته می شود. چون گروه نصارا این صحنه را دیدند از رسول خدا (ص) درخواست کردند که از مباحله صرف نظر کند و اجازه دهد آنان در دین خود بمانند و جزیه بپردازند. پیامبر اکرم پذیرفتند و آنان برگشتند. جزیه پولی است که اهل کتاب بعد از شکست از مسلمانان در جنگ، باید به حکومت اسلامی آن را پرداخت کنند.

در تفسیر نمونه آمده است: بنا بر روایتی، اسقف مسیحیان به همراهان خود گفت من چهره هایی را می بینم که اگر از خدا بخواهند کوه ها را از جا برکنند، چنین خواهد کرد. هرگز با آنان مباحله نکنید که هلاک خواهید شد و یک مسیحی تا روز قیامت بر روی زمین باقی نخواهد ماند.

## بین پیامبر (ص) و مسیحیان نجران چه گفت و گویی رد و بدل شد؟

مسیحیان وقتی راجع به حضرت عیسی با پیامبر سخن گفتند در ابتدا از رسول... پرسیدند: پدر شما کیست؟ حضرت فرمودند: عبدا... پدر حضرت موسی عمران و حضرت

عیسی پدر ندارد. گفتند هم شما و هم ما، عیسی را پاک می دانیم و او هم می گوید پدر ندارد، پس چرا وقتی می گویم پسر خداست، شما نمی پذیرید؟ حضرت فرمودند: اگر نداشتن پدر، موجب پسر خدا بودن می شود، پس حضرت آدم مقدم است. چون نه پدر داشت و نه مادر اما مسیحیان همچنان اصرار داشتند که مسیح پسر خداست. در اینجا قرآن وارد بحث شد. خداوند در آیه ۵۹ سوره آل عمران می فرماید: ماجرای عیسی بن مریم در نزد خدا، مثل ماجرای حضرت آدم است که او را از خاک آفرید. یعنی طینت همه انسان ها از خاک آفریده شده است. قرآن گاهی مسیح (ع) را به نام کلمه معرفی می کند، چنان که در آیه ۱۷۱ سوره نساء می فرماید: ای اهل کتاب! در دین تان غلو نکنید، به خدا نسبت دروغ و ناحق ندهید، مسیح پسر مریم است. عیسی بن مریم رسول خدا و کلمه اوست...

در اینجا کلمه به همان معنای طینت است. طینت حضرت عیسی به جای این که بخشی از آن در بدن پدر ساخت و ساز شود و به سلول حیاتی تبدیل شود، یکباره به بدن مریم (س) منتقل شد... او را از خاک خلق کرد... این مطلبی که بر تو نازل شد، حق است از ناحیه خدا. جزء شک کنندگان نباش. مسیحیان خواستند بحث و جدل را ادامه دهند که قرآن راه را بست. آیه آل عمران می فرماید: هر کس خواست در این زمینه باز هم با تو بگو مگو کند. به اینها بگو نه، خداوند اجازه ادامه گفت گو نداده است. چون جدل است و فایده ای ندارد.

راه اول گفت و گو بود که نتیجه ای نداشت اما راه دوم مبارزه دعایی و نفرین بود. پیامبر به مسیحیان فرمود: شما مدعی قدیس و مقرب درگاه حق بودن هستید. من هم می گویم رسول خدا هستم، بیایید هر دو و به درگاه خدا تضرع کنیم.

هر دو یک حرف می زنیم «خدایا هر کس دروغ به تو می بندد، او را نابودش کن». اینها قبول کردند. در حدیث هم دیدید که آمدند و حاضر به مباحله نشدند. یعنی پیغمبر اکرم آمدند و روی زانو نشستند.

و به چهار نفری که اطراف شان بودند، فرمودند که هر چه من گفتم، آمین بگوید. بعد خواستند دست به دعا بلند کنند که بزرگ مسیحیان دوان دوان آمد. گفت خواهش می کنیم مباحله نشود. ما حاضریم شرایط ذمه را بپذیریم و جزیه بدهیم.

## علت انتخاب همراهان خاص برای مباحله چه بود؟

تمام مسلمان ها؛ شیعه و سنی همه معترفند که پیغمبر اکرم چهار نفر را با خود به مباحله بردند: امیرالمؤمنین (ع)، حضرت زهرا (س)، امام حسن (ع) و امام حسین (ع). زیرا آنها کسانی که شایستگی حضور در مباحله داشتند، این افراد بودند. باید افراد مقدسی را می بردند که دعای آنها پذیرفته شود. پیغمبر اکرم به آنها گفتند پسران تان را بیاورید. مفهومش این است که بین پسران تان برگردید، هر کدام که فکر می کنید مقرب بارگاه قدس ربوبی هستند، او را بیاورید.



ما باید نسبت به اهل کتاب، مانند پیامبر اکرم نرمش داشته باشیم. پیغمبر اکرم در جنگ با یهودی‌ها کنار آمدند. زمانی که فتح صورت گرفت، آنها تصور کردند پیامبر همه دار و ندارشان را می‌گیرند. اما رسول... فرمودند: شما همین جا باشید، کسب و کار کنید و بخشی از آن را به مسلمانان بدهید که آنها خیلی خوشحال شدند اما مسأله امروز ما، صهیونیست‌ها هستند که کل وجودشان غاصب است. با اینها باید مبارزه کرد و سرزمین مسلمانان را پس گرفت.

## ثمرات مباحله برای جهان اسلام

اول این که؛ خود این داستان یک اعجاز و نشانه حقانیت پیغمبر اکرم و اسلام است. بزرگان مسیحی فهمیدند که در برابر پیامبر جای عرض اندام ندارند و اگر او نفرین کند، نابود می‌شوند. دوم عظمت و کرامت پیامبر خاتم (ص) است که وقتی اینها خواستند مباحله نکنند، حضرت پذیرفتند. نتیجه سوم این که ماجرای مباحله نشان داد اهل بیت پیامبر (ص) چه کسانی هستند. چهارم این که بزرگان شیعه نتیجه گرفتند امیرالمومنین (ع) نفس رسول... است. رسول خدا می‌فرماید ما نفس مان را می‌آوریم بعد امیرالمومنین (ع) را با خودشان می‌آورند. و این جایگاه با عظمت امیرالمومنین (ع) را نشان می‌دهد. نکته دیگر این که کسانی که اهل بیت و خاندان عصمت را منزوی کردند، خلاف راه خدا رفتند و برخلاف رضای خدا عمل کردند؛ زیرا طبق حدیث ثقلین که مورد وثوق شیعه و سنی است، اهل بیت پناه مومنان هستند. پیغمبر اکرم فرمودند من از میان شما می‌روم و دو چیز نفیس میان شما باقی می‌گذارم. کتاب خدا و عترتم. مادامی که شما به هر دوی اینها تمسک کنید، هرگز گمراه نخواهید شد. اینها از هم جدا نمی‌شوند تا این که در کنار حوض کوثر در روز قیامت بر من وارد شوند. این پیام‌هایی است که از آیه مباحله برداشت می‌شود.



## تأثیرات مباحله در وحدت مذاهب اسلامی

ما دست برادران اهل سنت را به برادری می‌فشاریم. اگر هم مشکلی برای آنها پیش بیاید، ما موظف به دفاع هستیم. کما این که از فلسطینی‌ها دفاع می‌کنیم. امام خمینی و رهبر معظم انقلاب ندای وحدت اسلامی را طنین انداز کردند اما از بیان حقیقت ابایی نداریم. ما با کمال خضوع، مهر و محبت به برادران اهل سنت این مطالب را عرضه می‌کنیم که یا می‌پذیرند یا خیر. در هر صورت امت اسلامی هستیم و معتقد نباید وحدت اسلامی را نادیده گرفت. مسائلی مانند مباحله که وجه اشتراک اعتقادی ماست به این مسأله کمک می‌کند، ضمن این که حقایق مهمی را بیان می‌کند.

اهل بیت باشم. بنابراین احادیث نشان می‌دهد که همسران پیامبر از اهل بیت نبودند، زیرا اهل بیت مقام شامخ عصمت و شابهت به پیامبر دارند. سؤال این است که در مباحله پیغمبر (ص) چی کسانی را به ما معرفی کرد؟ کسانی که پاک و مطهر باشند یعنی علی (ع)، فاطمه (س)، حسن (ع) و حسین (ع). پیغمبر یک زن را با خودش می‌برد و آن فاطمه (س) است نه از همسران خود. یعنی تنها بانویی که در زمره اهل بیت است فقط حضرت زهرا (س) است.

**۱۴** اشاره شد که بعد از درخواست مسیحیان، پیامبر (ص) مباحله را ادامه ندادند و با پرداخت جزیه زیست موافقت شد. این حرکت پیامبر چه پیامی برای زیست سیاسی مسلمانان در جهان امروز دارد؟

چون سبک اخلاقی و منش رسول... این گونه بود. ما باید نسبت به اهل کتاب، مانند پیامبر اکرم نرمش داشته باشیم. پیغمبر اکرم در جنگ با یهودی‌ها کنار آمدند. زمانی که فتح صورت گرفت، آنها تصور کردند پیامبر همه دار و ندارشان را می‌گیرند. اما رسول... فرمودند: شما همین جا باشید، کسب و کار کنید و بخشی از آن را به مسلمانان بدهید که آنها خیلی خوشحال شدند اما مسأله امروز ما صهیونیست‌ها هستند که کل وجودشان غاصب است و سرزمین فلسطین را غصب کرده‌اند. با اینها باید مبارزه کرد و سرزمین مسلمانان را پس گرفت. در ایران نیز یهودیان و مسیحیان هموطن زندگی می‌کنند که ما با ایشان باید با اخلاق اسلامی رفتار کنیم.

بعد فرمودند: بانوان تان را و ما نیز بانوان مان را. شما نفس تان را و ما هم نفس مان و خودمان را. پیغمبر اکرم همین چهار نفر را آوردند. در این مسأله اختلافی وجود ندارد و با این کار، مسأله مهمی را روشن کردند، این که اهل بیت پیغمبر اکرم چه کسانی هستند. چون می‌دانید قرآن کریم خاندانی را معرفی می‌کند به عنوان خاندان عصمت و طهارت که ملجأ و پناهگاه مومنان هستند. افرادی که گناه از آنان دور است و به فرموده آیه ۳۳ سوره احزاب مطهر هستند.

همه فرقه‌های اسلامی قبول دارند که در زمان نزول آیه؛ امیرالمومنین (ع)، حضرت زهرا (س) و امام حسن (ع) و امام حسین (ع) بوده‌اند.

اما در مورد حضور همسران پیامبر در دایره اهل بیت پیامبر، بین شیعه و سنی اختلاف وجود دارد. از نظر شیعه ۹ امام بعدی هم به اهل بیت اضافه شدند که با خود پیغمبر شدند ۱۴ نفر. (۱۴ معصوم).

بعضی از اهل سنت می‌گویند همسران هم جزء اهل بیت هستند اما در احادیثی که از اهل سنت آمده، خلاف این دیده می‌شود. در تفسیر المنثور سیوطی ۱۷ حدیث ذیل آیه نقل شده که عمدتاً از ام‌السلمه، همسر پیامبر اکرم است. او می‌گوید: رسول خدا این چهار نفر را کنار خودش قرار داد، عبا یعنی رازی را روی خودش انداخت از دو طرف دستانش را بالا برد و گفت: خدا یا اهل بیت من اینها هستند. اینها را پاک و مطهر کن. ام‌السلمه می‌گوید: من رفتم جلو گفتم یا رسول... من از اهل بیت شما نیستم؟ فرمودند: تو خوبی، ولی نپذیرفتند از



مرشد محسن میرزاعلی از ویژگی‌های امسال جشنواره پرده خوانی و نقالی غدیر می‌گوید

## عظمت مباحله به روایت نقالان



تشویق بسیار و امی داشت. در بخش نوجوان ۱۰ اثر و در بخش بزرگسال هم ۱۰ اثر انتخاب شدند که به طور مجزا از بخش کودکان با یکدیگر به رقابت پرداختند. چون از نظر ما همین که کودکی به این جشنواره راه پیدا کرده برنده است و نباید درگیر رقابت شود اما میان نوجوانان و بزرگسالان شاهد رقابت بین خانم‌ها و آقایان بودیم. عده‌ای از ما می‌پرسند که چرا تفکیک جنسیتی بین رقبا قائل شدید. به دلیل استعداد و توانایی متفاوتی که خانم‌ها و آقایان با یکدیگر دارند میان رقبا تفکیک جنسیتی قائل شدیم و در نظر داشتیم عدالت بین تمام افراد شرکت‌کننده رعایت شود. حتی جالب است بدانید امسال برای اولین بار اهل تسنن برای ما اثر ارسال کردند و این نکته حائز اهمیت است؛ چرا که این تبلور خود امیرالمومنین است که دارند دل‌ها را روشن می‌کنند.

### اهمیت مباحله در فرهنگ شیعی

مرشد میرزاعلی در پاسخ به این پرسش که هدف از افزودن بخش مباحله به بزرگترین رویداد هنری نقالی چه بوده، تصریح می‌کند: فکر می‌کنم از غدیر تا مباحله را باید ایام ولایت قرار بدهند. شاید ۱۰ روز نشود اما اینجا بحث ولایت و وصایت امیرالمومنین (ع) مطرح است که یکی از مهم‌ترین مباحث شیعیان است. علی (ع) نفس و جان پیامبر اکرم (ص) است. غدیر سندی حقانیت و مظلومیت شیعه است، مظلومیت به این خاطر که تمام

چندسالی است به همت حوزه هنری، جشنواره پرده خوانی و نقالی در ایام منتهی به عید سعید غدیر خم در تهران برگزار می‌شود و گروه‌های زیادی از نقالان پیشکسوت و جوان که در سراسر کشور، چراغ این هنر امیل و مردمی را زنده نگه داشته‌اند، به تهران می‌آیند و هنرشان را در برابر چشم مردم و رسانه‌ها عرضه می‌کنند. این جشنواره که در سال‌های اخیر، چهره‌های جدید و با استعدادی در حوزه نمایش‌های آیینی و نقالی به کشور معرفی کرده است، امسال با یک اتفاق و ابتکار تازه همراه بوده است، اضافه شدن بخش مباحله. درباره این ابتکار و نتایج آن با مرشد محسن میرزاعلی که خود از چهره‌های مهم و تأثیرگذار این هنر ملی و آیینی است، هم‌کلام شده‌ایم.

چهارشنبه گذشته روز آخر اجرای ما در میدان ولی عصر بود و خوشبختانه با استقبال بسیار خوب مواجه شد. ۲۱۰ اثر اولیه به دبیرخانه ارسال شد که داورانی حرفه‌ای از این بین، ۵۰ اثر را به مرحله بعد و در نهایت ۳۳ راکه ۱۳ عدد از آنها مختص به کودکان بود، انتخاب کردند.

### آثار با کیفیتی دیدیم

او با تاکید بر کیفیت بالای آثار حاضر در جشنواره ادامه می‌دهد: بسیار خوشحالم از کیفیت آثاری که دیدم. حتی کودکی پنج ساله در این جشنواره حاضر بود که بیش از ۴۱۵ بیت شاهنامه، اشعار سعدی و مناقب حضرت علی (ع) را از بر داشت و به قدری با بیانی رسا و مسلط اجرا می‌کرد که حاضران را به

**متاسفانه آن طور که باید به مباحله پرداخته نشده اما هنر نقالی این ظرفیت را دارد که این اتفاق مهم برای شیعیان را به گوش جهانیان برساند**



فاطمه نانی‌زاد  
گروه ادب و هنر

### شعر امروز

امیرعلی سلیمانی

## زمان امتحان

درست این سو حجاز، آن سوی من، این خاک نجران است

تماشا کن! زمان امتحان اهل ایمان است

رسیده حضرت خورشید با آیات نورانی بخوان! این ماجرا تفسیر ناب آل عمران است

بگو انجیل بردارند و با ایمان ببیندیشند کلید ماجرا در آیه‌های پاک قرآن است

بگو هر راه در این خاک جز اسلام بیراهه است در این خانه باز و صاحب این خانه رحمان است

به اصحاب پیمبر احتیاجی نیست، این میدان به یمن اهل بیتش شب که می‌آید چراغان است

چرا فرین؟ به قدر آه کوتاه رسول...!

اگر تقدیر برگردد جهان با خاک یکسان است

رسیده لحظه تصمیم و چشم مردم نجران پریشان است و پیوسته به لب‌های بزرگان است

اگر تصمیم بر جنگ است پیروزی میسر نیست اگر تصمیم بر صلح است پس اسلام میزان است

به چشم عشق معنای بشارت را نفهمیدند که خود پیدا است از آغاز عیسی هم مسلمان است

جماعت روبه روی خاتم اینک سرفرو آرید که هم پایان آغاز است و هم آغاز پایان است

### فاطمه نانی‌زاد

## آسمان هم دیده...

آسمان هم دیده صحرا را، تماشایی شده زمزمه کرده‌ست این صحرا چه صحرايي شده

می‌رسد از جانب یثرب سپاه آفتاب آن طرف از جانب نجران صف آرای شده آب آورده‌ست و آیین، گلاب و مشک تر نور را آورده و تطهیر؛ غوغایی شده

سیر آفاق ست و انفس در بیان متفن ش هنر نسیمی می‌وزد اینجا، مسیحایی شده

دست‌های روشن باران و شوق ربنا در تجلی باز هم آیات شیدایی شده

می‌رود در هم بیچید روزگار منکران در میان لشکر نجران چه بلوایی شده

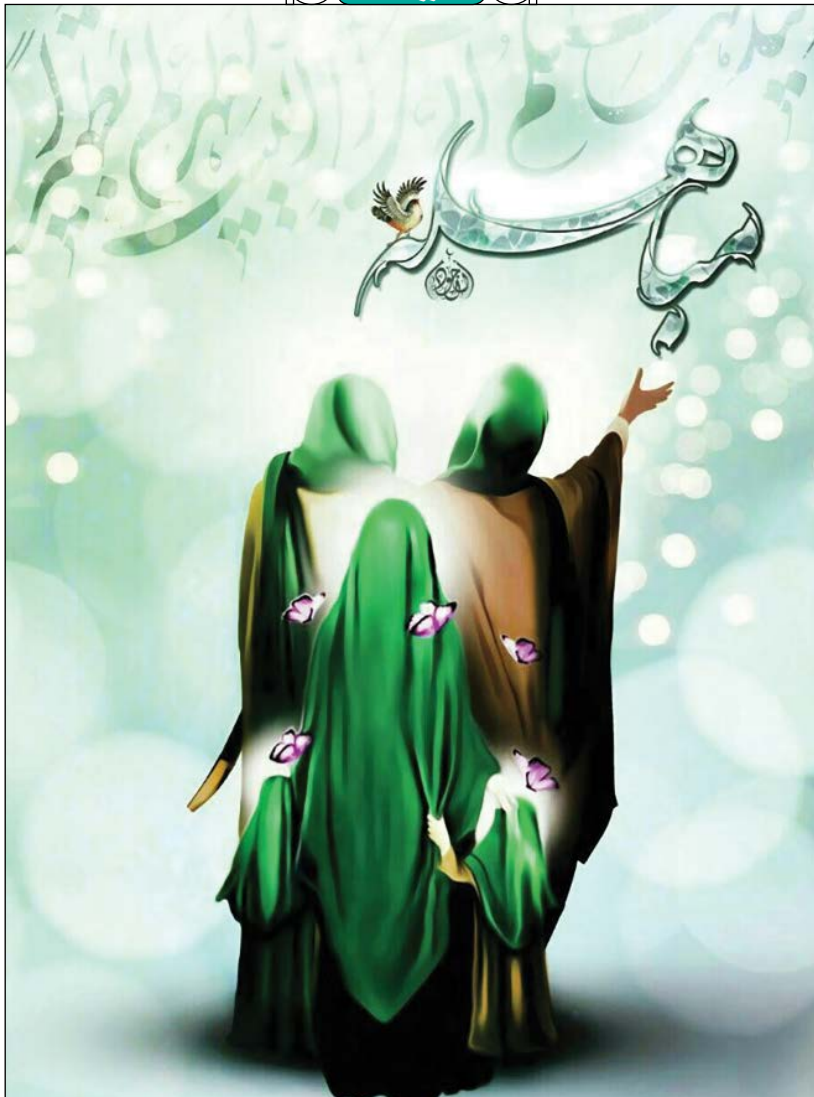
اسقف اعظم به قومش گفت: برگردید؛ نه! هان! هلا! این معرکه میدان رسوایی شده



آسمان‌ها در کف دست محمد دیدنی‌ست چشم‌هایش، چشم‌هایش... آه... دریایی شده



روایت



پاسخ عجب سعد به معاویه چه بود؟

فرمود: آیا راضی نیستی که نسبت تو به من همچون نسبت هارون به موسی باشد؟ همانگونه که هارون برادر و جانشین موسی بود، تو هم برادر و جانشین من هستی.

دوم این که در جنگ خیبر افراد مختلفی برای فتح قلعه خیبر رفتند و ناامید برگشتند تا این که پیامبر (ص) در یکی از شب‌ها فرمود: فردا پرچم را به مردی خواهم داد که از مبارزه خسته نمی‌شود و به دشمن پشت نمی‌کند! اصحاب منتظر بودند ببینند منظور حضرت کیست؟ پیامبر نگاهی به اصحاب کرد و همه را از نظر گذراند، اما علی را ندید، سؤال کرد علی کجاست؟

گفتند: او مبتلا به چشم درد و مشغول استراحت است. فرمود: علی را حاضر کنید. علی به خدمت پیامبر آمد، حضرت مقداری از آب دهانش را به چشم علی مالید، چشم علی به برکت آب دهان پیامبر و به اذن خدا خوب شد و سپس پرچم را به او داد و علی قلعه خیبر را فتح کرد!

و سوم این که در داستان مباحله، پیامبر به همراه علی، فاطمه، حسن و حسین به استقبال مسیحیان نجران رفت و آماده مباحله شد.

سعد پس از بیان مطالب به معاویه گفت: معاویه! آیا با این فضائلی که از پیامبر (ص) در مورد علی شنیده‌ام می‌توانم او را لعن کنم؟!

می‌دانیم که سعد بن ابی وقاص از شخصیت‌های صدر اسلام بعد از موفقیّت در فتح ایران، خود را از نامزدهای خلافت می‌دانست و با شخصیت‌هایی که در این سطح بودند، احساس رقابت می‌کرد. او با این که رابطه خوبی با حضرت علی (ع) نداشت اما برخلاف دستور معاویه برای ناسزاگفتن به ایشان، از این کار خودداری می‌کرد.

آیتا... ناصر مکارم شیرازی در کتاب آیات ولایت در قرآن با استفاده از اسناد اهل سنت، داستانی درباره پاسخ سعد به معاویه نقل کرده که خواندنی است: در بخش «فضائل الصحابه» کتاب صحیح مسلم، روایت جالب و تکان دهنده‌ای به نقل از سعد بن ابی وقاص نقل شده است.

سعد می‌گوید: به ملاقات معاویه رفتم. معاویه گفت: شنیده‌ام که علی را لعن نمی‌کنی! چرا علی بن ابیطالب را سب و ناسزا نمی‌گویی؟

سعد در پاسخ خطاب به معاویه گفت: من سه جمله از پیامبر اسلام (ص) درباره علی شنیده‌ام که مانع اجابت تقاضای تو می‌شود:

اول این که هنگامی که پیامبر عازم جنگ تبوک بود و علی را به عنوان جانشین خود در مدینه تعیین کرد، علی از آن حضرت پرسید: چرا مرا در مدینه می‌گذاری و همراه خود به جنگ نمی‌بری؟ حضرت

برای اربعین ششمین دوره همایش بزرگ سراسری اربعین را برای کربلا با حضور نقالان و پرده خوانان برگزار خواهیم کرد.

مرشد میرزا علی درباره اضافه شدن بخش بین‌المللی به این جشنواره عنوان می‌کند: درباره بین‌المللی شدن این جشنواره فکری صورت گرفت اما هنوز قطعی نشده است.

او در پایان از کم‌توجهی و آسیب‌هایی که در مسیر راه نقالان و پرده خوانان وجود دارد گله و خاطر نشان می‌کند: ما در کشوری با مذهب شیعه زندگی می‌کنیم اما متأسفانه ارزشی که باید را برای نقالی قائل نیستند. این در حالی است که هنر نقالی ثبت جهانی شده است. کامل‌ترین نوع روایتگری که با نمایش، بازی و موسیقی همراه است، نقالی ایرانی است. این هنر مختص ایرانیان است و نقالی در خون ما جریان دارد. در کشوری با ۸۰ میلیون جمعیت هر ۱۰ هزار نفر یک نقال می‌خواهد. یعنی کشور ما ۸۰۰۰ نقال نیاز دارد.

آیا ما این تعداد نقال و پرده خوان داریم؟ متأسفانه خیر. هنرهای آیینی ما نه تنها در ایران بلکه در همه جهان حرفی برای گفتن دارد و ما می‌توانیم از این ابزار برای معرفی کشورمان، آداب و رسوم مان، اهدافمان و... فرهنگ سازی کنیم. از سازمان‌هایی مثل میراث فرهنگی و وزارت ارشاد توقع داریم پای کار بیایند هنر نقالی را حمایت کنند. نقالان طرح و ایده‌های خوبی برای برگزاری جشنواره‌های نقالی و پرده خوانی دارند، اما حمایت نمی‌شوند. امروزه دیگر کشورها روی بچه‌های ما با فرهنگ و موسیقی خود اثر می‌گذارند. پس چرا ما نباید علاقه مند به حوزه نقالی و روایتگری داشته باشیم و این هنر را به کودکان و نوجوانان معرفی کنیم؟ کشورهای دیگر این هنرها را ندارند اما ما داریم و متأسفانه از آنها آنطور که شایسته است، استفاده نمی‌کنیم.

امامان برحق حتی شخص امیرالمومنین علی (ع) در طول زندگی شریف‌شان بارها غدیر را فریاد زدند و برحق خود بر آن استدلال کردند. حتی فاطمه زهرا (س) نیز به شهادت تاریخ در چند لحظه حساس غدیر را فریاد زدند. حق امیرالمومنین همیشه خورده شده و ما شیعیان موظفیم این حق را فریاد بزنیم. امر ولایت و مباحله مهم است که متأسفانه آنطور که باید به آن پرداخته نشده اما هنر نقالی این ظرفیت را دارد که این اتفاق مهم برای شیعیان را به گوش جهانیان برساند و ماسعی کردیم در این دوره از جشنواره تا جای ممکن به نقش واقعه غدیر و مباحله در پذیرش ولایت و ولایت‌پذیری در زمان معاصر بپردازیم.



**جالب است بدانید**  
**امسال برای اولین بار اهل تسنن برای ما اثر ارسال کردند و این نکته حائز اهمیت است؛ چرا که این تبلور خود امیرالمومنین است که دارند دل‌ها را روشن می‌کنند**

به گفته مرشد میرزا علی، هنر نقالی ظرف پاک‌ی است که می‌توان در هر زمینه‌ای از آن برای انتقال مفاهیم به مخاطبان استفاده و فرهنگ‌سازی کرد. هنر نقالی مجموع تمام هنرها را داخل خود دارد اما متأسفانه ارکان‌های پیشرو اعم از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، میراث فرهنگی و... کمتر به آن بها می‌دهند.

این نقال و پرده خوان و دبیر و عضو هیأت انتخاب آثار ارسالی به پنجمین جشنواره پرده خوانی و نقالی غدیر با تقدیر از سازمان فرهنگی-هنری شهرداری و حوزه هنری در تبیین نقالی و هنرهای نمایشی در ایران می‌گوید: حوزه هنری کمابیش از برگزاری جشنواره پرده خوانی و نقالی غدیر حمایت کرده است و ما از مدیران آن کمال تشکر را داریم ولی انتظار بیشتری از آنها داریم. چون نقالان علوی بخش اندرونی پرچم حیدر کرار به حساب می‌آیند که با خیلی چیزهای دیگر متفاوت است. با تمام مشکلات نقالان ما انسان‌های شریفی هستند. آنها بدون چشمداشت و با کمک حضرت امیرالمومنین (ع) پای برگزاری جشنواره مذکور ایستاده‌اند. با تمام این تفاسیر به زودی جشنواره نقاشی را با موضوع نقالی شاهنامه خواهیم داشت. همچنین





در زمانی که برای زن هیچ اعتبار و ارزشی قائل نبودند، حضور حضرت فاطمه (س) در دعوت به مباحله یعنی معرفی او به عنوان شریک رسالت یعنی اعتبار بخشیدن به زن در اسلام. البته در این ماجرا علی (ع) انفسا نامیده می شود و حسنین (علیهما السلام) با آن که در سنین کودکی بودند، از سوی پیامبر ابناء یعنی پسران ما خوانده شدند. اهمیت حضور آن دو کودک در مباحله یعنی این که آنان باید فعال باشند و آینده جامعه را در دست بگیرند



در گفت و گو با حجت الاسلام سید محمد مرتضی عاملی بررسی شد

# چند برداشت اجتماعی و اقتصادی از ماجرای مباحله

**گفت و گو، روش آغازین دعوت پیامبر خاتم به دین نوپای الهی بوده است. دعوت نامه هایی که از سوی حکومت مدینه و با امضای شخص اول جهان اسلام به سران سرزمین های دیگر فرستاده شده، همگی گواه بر این موضوع است که رسول... (ص) در دعوت به دین خود هرگز آغازگر جنگ نبوده است و مبنای کار او دعوت، گفت و گو و پیمان صلح است. دعوت از مسیحیان منطقه نجران به اسلام نیز در همین خصوص بوده است. نجران، منطقه ای در عربستان که در مرز یمن قرار داشته و ساکنان آن عمدتاً مسیحی بوده اند، دعوت پیامبر را نپذیرفتند و از پرداخت جزیه نیز سرباز زدند. از این رو به مبارزه داعی یا همان مباحله دعوت شدند. ماجرای که در صدر اسلام با تائب بسیاری برای مسلمانان و پیروان سایر ادیان داشت. چرایی رویداد مباحله و اتفاقات پس از آن از شیوه برخورد فرهنگی، اجتماعی و سیاسی رسول خدا در دوران رسالت و حکومت دینی در مدینه پرده برداری می کند. حجت الاسلام و المسلمین سید محمد مرتضی عاملی از اندیشمندان و محققان لبنانی در حوزه تاریخ اسلام، در گفت و گو با «جام جم» دریافت جدیدی از ماجرای تاریخی مباحله ارائه می کند. او مدیرعامل موسسه تنظیم و نشر آثار علامه سید جعفر مرتضی (ره)، پژوهشگر تاریخ، نویسنده و کارشناس دینی است که سال هاست در حوزه تاریخ و اعتقادات شیعی فعالیت علمی دارد.**

نازلی مروت  
روزنامه نگار

و سپس با پیامبر (ص) ملاقات کرده و سوالات خود را می پرسند. پیامبر اکرم (ص) به آنان می فرماید که خدا یکی است و معبودی جز او نیست و سپس مسأله بشر بودن حضرت عیسی را مطرح می کند. حضرت از آنها می خواهد خدا را اطاعت کنند. آنها می گویند سه روز به ما فرصت بدهید. در این سه روز آنها تمام ابعاد مسأله را بررسی کردند و بی بردند محمد مصطفی (ص) واقعا پیامبر است. این مسأله در صحبت هایی که بین آنان رد و بدل شد کاملاً واضح است. پس از مهلت مقرر آنان گفتند ما اسلام را نمی پذیریم. در این صورت باید جزیه پرداخت می کردند. با این بیان به نوعی اعلام جنگ کردند. آنان یک لشکر ۱۰ هزار نفری و قدرت و توانایی خوبی برای جنگ داشتند. خداوند به حضرت محمد (ص) فرمان داد با آنان مباحله کند بنابراین رسول... (ص) خودسرانه عمل نکرد. اما وقتی آنها دیدند پیامبر با اهل بیت خود وارد کارزار مباحله شد، متوجه شدند که پشت سر محمد مصطفی (ص) خدایی هست لذا پذیرفتند جزیه بدهند زیرا می دانستند اگر مباحله را قبول کنند ممکن است در همان جلسه از بین بروند و اگر جنگ را آغاز کنند نابود می شوند.

نجران است. این منطقه جغرافیایی در مرز یمن شامل ۷۳ روستا بوده که ۱۰ هزار نظامی جنگجو داشته است. پیامبر در این شرایط که نجران منطقه مهم و در عین حال از نظر استراتژیک، امنیتی، نظامی و اجتماعی قدرتمند است، آنان را به اسلام دعوت می کند. این نشان دهنده این است که در آن دوره اسلام از قدرت خوبی در منطقه برخوردار بوده است. مشورت اهالی نجران به سفر بزرگان مسیحی به مدینه و دیدار با رسول... منجر می شود. این دیدار با یک سری حواشی همراه است که اهمیت دارد. هیات ملاقات کننده ۶۰ نفر بودند. طبق نقل تاریخی حدود ۱۵ نفر از آنان از اعیان قوم خود بودند. آنها با لباس فاخر و طلا در مسجد حاضر می شوند اما پیامبر آنان را نمی پذیرد تا این که نزد عثمان و سپس امام علی (ع) می روند و حضرت به آنها می فرماید که بروید و لباس هایتان را عوض کنید و لباس های ساده بپوشید. ببینید این مسأله بیانگر این است که تیپ و ظاهر کسی که می خواهد صحبت بکند باید در جلسه گفت و گو لحاظ شود.

روز بعد می آیند و بیرون مسجد نماز خود را می خوانند

**۱** ماجرای مباحله محصول چه اتفاقی است؟  
برای روشن شدن موضوع، ذکر چند نکته لازم است. اول این که ماجرای مباحله در مدینه رخ داد، یعنی بعد از هجرت پیامبر به مدینه که همزمان با اوج گرفتن قدرت اسلام بود. نکته دیگر این که رسول... (ص) قبیل از روی دادن ماجرای مباحله، به تمام سرزمین ها دعوت نامه ای ارسال کرده و آنها را به اسلام دعوت کرد. یکی از این نامه ها به نجران فرستاده شد. باید دید این منطقه جغرافیایی چه ویژگی هایی داشته که مورد توجه نبی مکرم اسلام واقع شد. پیامبر (ص) در نامه ای که به نجران می فرستد آنها را به پرستش خدای یگانه دعوت می کند نه پرستش بندگان خدا. نکته دیگر در نامه این است که به آنان فرصت می دهد در صورتی که اسلام را نپذیرند جزیه پرداخت کنند و اگر نسبت به پرداخت جزیه نیز انکار دارند، جنگ رخ خواهد داد. وقتی نامه به دست بزرگان مسیحیان نجران رسید، باهم مشورت کردند که نمی توانیم درباره این نامه نظری بدهیم، بنابراین از همه اهالی نجران دعوت می کنند تا در منطقه وسیعی جمع شوند. آن منطقه معادل حرکت یک روز اسب تندرو بوده است که نشان دهنده وسعت زیاد منطقه تجمع اهالی

شعر امروز

مرتضی حیدری آل کثیر

## محمد آمد...

محمد آمد... که عشق اوچ و ستم تنزل گرفته باشد  
بهل که قوم یهود و نجران، سرتاسر گرفته باشد  
به نور شک کرده ای؟ شگفتا! دلیل، روشن تر از محمد؟  
«فقل تعالوا» اگر کسی حربه تجاهل گرفته باشد  
خرافه «بولهب» کجا و حدیث «احمد»... بدا به قومی  
که بانگ این جغد شوم را جای صوت بلبل گرفته باشد  
بزرگ «نجران» فتنه جو را بگو نیا شوب، خشم او را  
کسی که از مهربانی اش خار مکه هم گل گرفته باشد  
نه دست اصحاب اطهرش را که دست زهر و حیدرش را  
دل حسین و برادرش را بی «تیاهل» گرفته باشد  
قسم به قرآن و آل عمران، علی ست نفس نبی کماکان  
چه نفس پاکی! که دین به یمنش ره تکامل گرفته باشد  
خوشایم جاری غدیرش، خوشادم سجده بر حصیرش  
خوشا محبی که دامنش را به یک توسل گرفته باشد

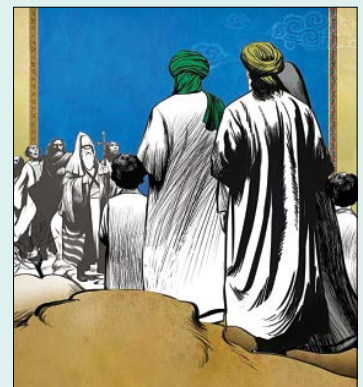
مطهره عباسیان

## احتجاج

قرار شد دو طرف تن به احتجاج دهند  
که دین مردم خود را مگر رواج دهند  
قرار شد همگی با کسان خود باشند  
مگر علاج به یک زخم لاعلاج دهند  
نبرد شک و یقین بود و باز، اهل یقین  
بنا نبود به اهل لجاج باج دهند  
به حکم امر «تعالوا...» قرار بود آن روز  
مسیحیان همه پایان به یک لجاج دهند

و در قبال تمام مخالفت هاشان  
به رسم روز، به اهل یقین خراج دهند  
شعاع نور حقیقت به هر طرف می رفت  
که از حجاز به نجرانیان سراج دهند

جهان به نور تو وابسته است، ای خورشید  
خوشا که با «تو» به اهل تو تخت و تاج دهند





رویداد

ماهنگ «مباهله» منتشر شد



از طریق صفحات مجازی هیأت الرضاع) تماشا کنند. در تولید این ماهنگ، سید محمد نوربخش به عنوان مدیر تصویربرداری و احمد مرادی به عنوان مدیر تولید همکاری کرده‌اند. این ماهنگ بر روی قطعه موسیقی با تنظیم بویا اعتصامی تولید شده است.



برای مشاهده این ماهنگ کیوارکد را اسکن کنید

همزمان با ایام ذی حجه و در آستانه سالروز رویداد بزرگ و تاریخی مباهله، ماهنگ «مباهله» با خوانندگی حاج رضا هلالی مداح اهل بیت (ع) توسط هیأت الرضاع (ع) و با همکاری گروه محتوایی محفل بهشت منتشر و به علاقه‌مندان فرهنگ و هنر آیینی تقدیم شد. این ماهنگ که بر روی شعری از سعید پاشازاده تولید شده است، به کارگردانی سامان درویشی و تهیه‌کنندگی محمدرضا هراتی هم‌اکنون در فضای مجازی در دسترس علاقه‌مندان است و دوستداران فرهنگ اهل بیت (ع) می‌توانند آن را

قبول می‌کند؛ زیرا رباخواری بین آنها و به خصوص یهودیان رواج داشت و به واسطه آن، ملت‌های دیگر را تضعیف می‌کردند.

حضور حضرت زهرا (س) به عنوان یکی از اعضای حاضر در مباهله چه پیامی داشت؟

در دعوت به مباهله رسول... همراه نفس خود یعنی علی (ع) و حضرت زهرا و امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) شرکت کرد. حضرت زهرا (س) به عنوان شریک رسالت در این مراسم حاضر می‌شود. در این ماجرا اهمیت یک زن برای حضور در جامعه و برای انجام وظیفه الهی در جامعه فهمیده می‌شود. در زمانی که برای زن هیچ اعتبار و ارزشی قائل نبودند، حضور حضرت فاطمه در دعوت به مباهله یعنی معرفی او به عنوان شریک رسالت یعنی اعتبار بخشیدن به زن در اسلام. البته در این ماجرا علی (ع) انفسنا نامیده می‌شود و حسین (علیهم السلام) با آن که در سنین کودکی بودند، از سوی پیامبر ابناء یعنی پسران ما خوانده شدند. اهمیت حضور آن دو کودک در مباهله یعنی این که آنان باید فعال باشند و آینده جامعه را در دست بگیرند.

آیا حضور اهل بیت پیامبر در مباهله نشانه محبت خانوادگی است یا ارزش معنوی آنها پرده برمی‌دارد؟

ما این را انکار نمی‌کنیم آنها نزد حضرت رسول علاوه بر این که دارای ارزش بودند، محبوبیت نیز داشته‌اند اما اساس آن ارزشی که باعث شد همراه پیامبر در مباهله حاضر شوند، محبت خانوادگی نبود بلکه ارزش معنوی آنان نزد خداوند بود؛ زیرا آنان به اسلام وفادار بودند.

سبک رفتاری پیامبر (ص) در دعوت به اسلام به خصوص در ماجرای مسیحیان نجران چه درسی برای ما دارد؟

پیامبر به ما می‌گوید قدم اول در دعوت «گفت‌وگو» است. امروزه نیز دنیا دنیای گفت‌وگوست ولی اگر به نتیجه نرسد، باید تحریم‌ها از سوی ما برای آنها اعمال شود نه از سوی آنها بر ما. گفت‌وگو همان دعوت است. این که برخی خرده می‌گرفتند چرا می‌خواهید انقلاب را صادر کنید و آن را در جهان گسترش دهید، خلاف این روش پیامبر است؛ زیرا روش رسول... دعوت همگانی است. اگر زمانی به این قدرت دست پیدا کنیم که دیگران را به اسلام دعوت کنیم باید دعوت را با حکمت و عقلانیت انجام دهیم. در مرحله بعد باید تعاملات را با دشمن کاهش دهیم.

چرا اسلام جزیه را برای آنها قرار داد؟

جزیه مالیات نیست بلکه نوعی مثل جریمه و فراتر از مالیات است. جزیه یک علاج روانی است که اینها بعد از این که با ادله قاطع روبه‌رو شدند و از روی استکبار دعوت به حق را نپذیرفتند، به یک علاج روحی و روانی نیاز دارند؛ زیرا مستکبرند. یعنی یک مشکل درونی دارند که باید معالجه شود. جزیه یکی از راه‌حل‌ها و معالجه آنها در درآمدت است. خیلی از آنها بعد از مدتی از پرداخت جزیه، مسلمان می‌شدند.



پیامبر در شرایطی که نجران منطقه مهم و در عین حال از نظر استراتژیک امنیتی، نظامی و اجتماعی قدرتمند است، آنان را به اسلام دعوت می‌کند

برگردیم به ماجرای نجرانیان، پیامبر بعد از نپذیرفتن دعوت اسلام توسط مردم آن منطقه نامه‌ای به دستخط امیرالمومنین (ع) برای آنان می‌فرستد که در آن مبلغ جزیه را معلوم می‌کند. در این قطعنامه یا عهدنامه آمده است که اینها باید ۲۰۰۰ لباس بدهند؛ ۱۰۰۰ جامه در ماه رجب و ۱۰۰۰ جامه در ماه صفر و با هر جامه مقداری نقره همراه باشد. با این وجود آنها می‌توانند بر دین خود بمانند و مراسم و مناسک خود را اجرا کنند. پیامبر (ص) نیز به اسقف‌ها و راهب‌های آنان کاری نداشته باشد

و تغییری در سیستم برنامه‌های مذهبی آنان صورت نگیرد. همه این مواهب نبوی در برابر یک امر است و آن این که رباخواری نکنند.

اقتصاد نیز در ماجرای دعوت و پیمان با مسیحیان نجران نقش داشته است؟

بله. ببینید پیامبر به مسیحیان نجران اجازه می‌دهد غیر خدا را عبادت کنند که خلاف حق است، در مقابل رباخواری نکنند. مسأله‌ای که امروزه به آن، چه در سطح داخلی و چه بین‌المللی مبتلا هستیم. باید دید ربا چه آثار اجتماعی دارد که در مهم‌ترین پیمان و دعوت الهی در نظر گرفته می‌شود و از آن نهی می‌شویم. با آن که رباخواری ممکن بود جامعه مسیحیان را نابود کند اما آثار آن جامعه اسلامی را نیز تهدید می‌کرد؛ چون مسلمانان میان مسیحیان زندگی می‌کردند یا همسایه بودند. این اثراتش را روی جامعه اسلامی خواهد گذاشت. در روایات آمده است ربا نابودی ملت و سرزمین را به دنبال دارد. چون اقتصاد را متوقف می‌کند و ثروت در دست یک عده می‌ماند و ثروت بسیاری از تهیدستان از بین می‌رود. اهمیت اقتصاد برای جامعه اسلامی آن قدر مهم است که ربا در مقابل بحث اعتقادی قرار می‌گیرد. خداوند نپذیرفتن یکتاپرستی اهل کتاب را در برابر نرفتن به سمت ربا

روایت

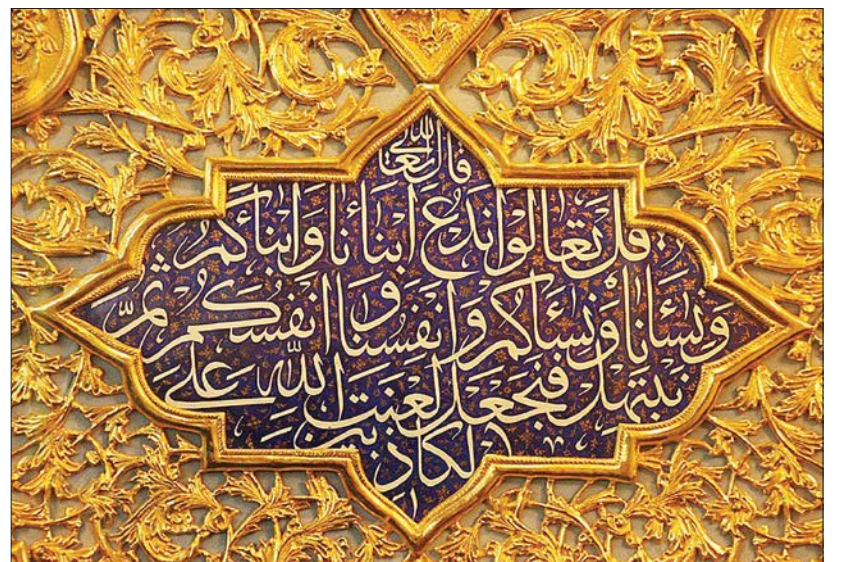
مباهله به روایت «تاریخ یعقوبی»

تَضَرَعُ كُنَيْمٌ وَ يَخْوَهِمُ كَيْفَ لَعْنَتِ اللَّهِ بِرُذُوعِ الْكُوفِيِّانِ فَرُودَ أَيْدِيهِمْ. (آل عمران، آیه ۶۱) پس به مباهله راضی شدند و چون بامداد رسید، ابوحرثه گفت: ببینید چه کسی با او آمده است؛ و رسول خدا (ص) در حالی که دست حسن و حسین را گرفته بود و فاطمه (ع) پشت سر و علی بن ابی طالب (ع) پیش رویش بودند، بیرون آمد. «عاقب» و «سید» نیز همراه دو پسر خود در حالی که به مرواریدها و زیورها آراسته و پیرامون ابوحرثه را فرا گرفته بودند، بیامدند. پس ابوحرثه گفت: همراهان او کیستند؟ گفتند: این پسرعمویش و این دخترش و این دو پسران او هستند. پس رسول خدا (ص) روی دوزانوئی خود ایستاد، سپس رکوع کرد.

پس ابوحرثه گفت: به خدا سوگند چنان به دوزانو ایستاد که پیامبران برای مباهله ایستند. پس «سید» گفت: ای ابوحرثه! برای مباهله نزدیک رو! ابوحرثه گفت: همانا من مردی جسور و قوی دل را برای مباهله می‌بینم و به راستی که بیم آن را دارم که در [ادعای] خود راستگو باشم؛ و اگر راستگو باشم سالی نگذرد که یک نفر ترسا در دنیا نمازند. ابوحرثه گفت: ای ابوالقاسم! ما با تو مباهله نمی‌کنیم لکن به تو جزیه می‌دهیم. پس رسول خدا (ص) برد و هزار جامه قیمتی. هر کدام به ارزش چهل درهم. با آنان صلح کردند...



از دیگر کتاب‌های تاریخی، «تاریخ یعقوبی» است به زبان عربی، نوشته تاریخ نگار و جهانگرد معروف احمد بن ابی یعقوب بن جعفر وهب بن واضح کاتب عباسی معروف به یعقوبی. وی ایرانی و اصلاً از مردم اصفهان بوده و از نویسندگان بزرگ ایران به شمار می‌آمده است. «واضح» نیای یعقوبی از شیعیان فداکار بوده و جان خود را بر این کار نهاده است و براساس آنچه در کتاب او آمده، در شیعه بودن یعقوبی هیچ شبهه‌ای نیست. روایت این نویسنده از واقعه مباهله چنین است: و اهل نجران نزد پیامبر (ص) آمدند. سرورشان ابوحرثه بود، پس بر پیامبر خدا (ص) وارد شدند و چون درآمدند، دیبا و صلیب‌ها را آشکار ساختند و با وضعی داخل شدند که هیچ‌کس با آن وضع وارد نشده بود. پس رسول خدا (ص) گفت: آنان را واگذارید. آنگاه رسول خدا را دیدار کردند و روز را با او بحث کردند. پس ابوحرثه گفت: ای محمد! درباره مسیح چه می‌گویی؟ گفت: «او بنده خدا و پیامبر اوست». پس گفت: ای ابوالقاسم! خدا از آنچه گفتی برتر است، او چنین و چنان است؛ و درباره ایشان نازل شد: «و هرکس که پس از فرا رسیدن علم به تو درباره او [عیسی] با تو محاجه و ستیزه کند، بگو بیاید تا ما پسرانمان و شما پسرانمان، ما زنانمان و شما هم زنانمان، ما خویشان نزدیک و شما هم خویشان نزدیک خود را بخوانیم. سپس به [درگاه خداوند]





مباهله به لحاظ اعتقادی، برای ما به عنوان شیعیان علی بن ابی طالب اهمیتی بسیار دارد چرا که به جایگاه ویژه ایشان در نص صریح قرآن اشاره شده است و از این مسأله می توانیم بهره های اعتقادی و کلامی بسیار ببریم اما با این جایگاه ویژه و ارجمندی آن شاید شایسته ترین بود که در تاریخ شعر فارسی بسیار بیشتر به آن پرداخته شود



شاعران کم کاری کرده اند

## مباهله، دوشادوش غدیر

محمود حبیبی کسبی  
شاعر

تاریخ شیعه و تاریخ ادبیات آیینی مشحون و سرشار از آثاری است که در آنها به موضوع مدح و منقبت آل... (صلوات... علیهم اجمعین) پرداخته شده است و در این میان موضوعاتی بوده که همواره مورد توجه بوده از جمله نعت پیامبر گرامی اسلام (ص)، موضوع غدیر و مدح امیرالمؤمنین (ع)، عاشورا و...، برخی موضوعات کمتر مورد توجه واقع شده اند و برخی موضوعات هستند که متأسفانه در تاریخ ادبیات و شعر فارسی از آنها غفلت شده است و وقتی سیر می کنیم در تاریخ ادبیات فارسی متوجه می شویم ابیات یا اشعار کمی است که به آنها پرداخته شده باشد و یکی از این موضوعات مباهله است.

با آن که به لحاظ قرآنی و اهمیت در تاریخ اسلام؛ این واقعه دوشادوش غدیر قرار می گیرد، مورد غفلت قرار گرفته است. چرا می گوئیم مباهله، دوشادوش غدیر اهمیت دارد؟ به این خاطر که همچنان که در واقعه غدیر خم، پیامبر گرامی اسلام (ص) حضرت امیرالمؤمنین را ولی و وصی خود در میان مردم قرار دادند و این یک شأن از شئون عالیّه مولای ماست؛ در واقعه مباهله با شأن دیگری از وجود مقدس ایشان رویه روی می شویم.

همان گونه که نص صریح قرآن کریم است که: «شما زنان تان، ما هم زنان مان را می آوریم، شما فرزندان تان را بیاورید و ما هم فرزندان مان را می آوریم و شما نفس های تان را بیاورید و ما هم نفس های مان را می آوریم»؛ وقتی پیامبر اسلام کارشان با مسیحیان نجران با مذاکره و مباحثه به جایی نمی رسد، بنا می شود رودر روی هم در زیر آسمان بایستند و در

محضر خداوند عالم دست به دعا بردارند تا خداوند حکم کند که حق کیست و باطل کدام است تا گروهی که باطل است، دچار نفرین الهی شده و نابود شود.

برخلاف مسیحیان نجران که در آن سو بودند و بسیاری از اسقف ها و کشیشان نصرانی همراه یکدیگر می شوند و می آیند، پیامبر گرامی اسلام از همه کسانی که در این عالم بودند، تنها چهار نفر را با خود همراه می کند که همراه با وجود مقدس پیامبر، پنج نفر می شوند که همان پنج تن آل عبا هستند. پیامبر در این رویداد، پاک ترین ارواح مقدسه و منوره این عالم را که اهل بیت مطهر و منورشان بودند، با خود همراه می کند و در برابر بزرگان مسیحیت شبه جزیره عربستان تنها با همین چهار نفر قرار می گیرند.

### شأنی از شئون عالیّه حضرت مولایم

همان طور که در آیه ای که گفته شد، زهرای مرضیه (س) را به عنوان بهترین زنان دو سرا و حسنین (ع) را به عنوان سروران جوانان اهل بهشت با خود همراه می کند و در جایی از آیه ای که می فرماید انفسنا وانفسکم، به روایتی نفس های تان را بیاورید و به روایتی خودهای تان بیاورید، پیامبر در این بخش یعنی آوردن «خود» ها علاوه بر وجود متبرک خود، مولای ما حضرت امیرالمؤمنین را با خود همراه می کند لذا از واقعه مباهله این شأن از شئون عالیّه امیرالمؤمنین ثابت می شود که ایشان نفس نفیس وجود متبرک پیامبر گرامی اسلام هستند. گویا که یک روح و یک نفس هستند در دو جسم لذا در کنار غدیر، مباهله نیز شأنی از شئون عالیّه حضرت

مولایم (ع) است. واقعه مباهله به لحاظ تاریخی در تاریخ اسلام، یک واقعه بسیار مهم است، چرا که وقتی مسیحیان می بینند این پیامبر ساز و برگ و دهل با خود نیاورده است بلکه تنها عزیزترین کسانش را به همراه آورده است، با خود می گویند وقتی کسی عزیزترین کسانش را به جایی بیاورد که قرار است یکدیگر را نفرین کنیم و احتمال نابودی می رود اگر به کار خود ایمان نداشته باشد پس این پیامبر برحق است و بزرگ آنها می گوید مبادا که بگذارد آنان دست به دعا بردارند که اگر چنین شود، نه نامی از مسیحیت برجای می ماند و نه یک نفر مسیحی باقی خواهد ماند.

مباهله به لحاظ اعتقادی هم برای ما به عنوان شیعیان علی بن ابی طالب (ع) اهمیتی بسیار دارد چرا که به جایگاه ویژه ایشان در نص صریح قرآن اشاره شده است و از این مسأله می توانیم بهره های اعتقادی و کلامی بسیار ببریم اما با این جایگاه ویژه و ارجمندی آن، شاید شایسته ترین بود که در تاریخ شعر فارسی بسیار بیشتر به آن پرداخته شود، ولی به هردلیل که الان جای بازگویی آن نیست، مباهله از موضوعاتی است که مورد غفلت قرار گرفته است.

### درباره جشنواره ادبی مباهله

ما از چند سال پیش به ابتکار استاد ارجمند حاج علی آقای انسانی این فعالیت ارجمند با موضوعیت مباهله را آغاز کردیم و امسال سومین سالی است که فراخوان این جشنواره اعلام شد و شاعران آثارشان را فرستادند. سال اول جشنواره برگزار شد و برگزیدگان خود را شناخت و کتابی از آثار

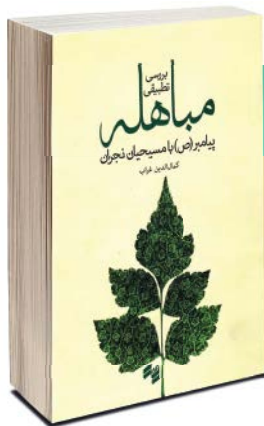
برگزیده منتشر شد و موضوعی که تا امروز شعری برای آن سروده نشده بود، آثار بسیار درخشان و قابل تأمل و توجهی به دبیرخانه جشنواره رسید. سال دوم با موضوع کرونا و عدم برگزاری مجالس و محافل ادبی رو به رو شدیم و صرفاً آثار درخشانی که به عنوان آثار منتخب جشنواره منتشر شدند و اختتامیه ای برای دور دوم جشنواره برگزار نشد. امسال در دور سوم، این فرصت را داریم که هم برگزیدگان معرفی شوند و هم مجلسی برگزار شده و کتاب منتشر شود و آن شاء... جشنواره دوباره به صورت کامل برگزار شود. در فراخوان اعلام کرده ایم که در تمام قالب های ادبی دوستان شاعری توانند آثارشان را بفرستند، هم در قالب های کلاسیک مانند مثنوی، غزل، رباعی و... هم در قالب های نو مانند شعر سپید، نیمایی و احیانا در قالب ترانه و محاوره و هم در بخش قطعه ادبی و نثر. ۶۷۰ اثر به دبیرخانه جشنواره رسیده که اگر چه همه این آثار به لحاظ معنوی ارجمندند از این تعداد، بخش زیادی به لحاظ ادبی هم ارجمند بودند که ان شاء... در کتاب جشنواره به چاپ خواهند رسید. داوری آثار انجام شده و پنج اثر به تیمن و تبرک پنج تن آل عبا به عنوان برگزیده انتخاب شده اند. آثاری که رسیده، اغلب در قالب های کلاسیک سروده شده و برگزیدگان جشنواره هم در همین قالب ها هستند.

امیدوارم این راه، نه صرفاً موضوع مباهله بلکه پرداختن به مضمون های مغفول مانده در ادبیات آیینی همچنان ادامه پیدا کند و ما همچنان به سراغ اولائمه مظلومی برویم که کمتر به مدح و مرثیه آنان پرداخته ایم و هم وقایع تاریخی دیگر مانند مباهله را مورد توجه قرار دهیم.



## درباره «مباحله» بخوانیم

در میان آثار مختلفی که برای گروه های سنی و طیف های متفاوت مخاطبان، نوشته شده و در آنها درباره مباحله بحث شده است، ۶ کتاب را برگزیده ایم. این کتاب ها هم برای خوانندگان حرفه ای که تاریخ اسلام را به صورت تخصصی دنبال می کنند، مفید است و هم برای مخاطبان گروه های سنی کودک و نوجوان که خانواده ها می توانند از طریق این آثار، آنان را با این بخش مهم از تاریخ اسلام، آشنا کنند.

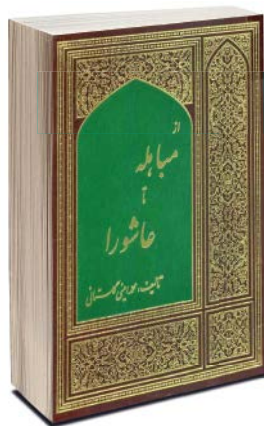


### بررسی تطبیقی مباحله پیامبر (ص) با مسیحیان

نویسنده:  
کمال الدین غراب  
ناشر:  
حکمت سینا

این کتاب به بررسی تطبیقی روایات مربوط به مباحله پرداخته است و نویسنده سعی کرده ضمن بررسی نقش مباحله در مجادلات عقیدتی شیعه و سنی، به بررسی آداب و اجرای آن نیز بپردازد. همچنین نمونه هایی از مباحله که در تاریخ به وقوع پیوسته، معرفی شده است. در پایان کتاب نیز پاره ای از آثار محققان درباره موضوع، به نقد کشیده شده است.

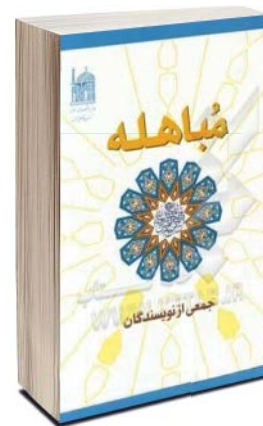
فصل اول این کتاب به پیشینه تاریخی مباحله اختصاص دارد و مؤلف در آن کوشیده است سیمای واقعی این رویداد را به دور از داستان پردازی ها و تخیل پردازی هایی که نزد برخی ناقلان دیده می شود، با استفاده از منابع تاریخی هردو فرقه شیعه و سنی مورد بررسی قرار دهد. فصل دوم به بررسی روایات مربوط به مباحله در منابع اهل سنت و فصل سوم نیز به روایات مباحله در منابع شیعی می پردازد. بررسی نقش مباحله در مجادلات عقیدتی شیعه موضوع فصل چهارم و چگونگی انجام مباحله و نمونه های تاریخی آن موضوع فصل پنجم این کتاب است.



### از مباحله تا عاشورا

نویسنده:  
محمد امینی گلستانی  
ناشر:  
انتشارات سپهر آذین

نویسنده در مقدمه اثرش درباره چگونگی نگارش کتاب می گوید: «در یکی از شب های طولانی زمستان، تاریخ زندگانی رسول خدا (ص) را از کتاب پربرکت بحار الانوار علامه مجلسی مطالعه می کردم. به واقعه تاریخی بحث و گفت و گوهای پنج روزه دانشمندان نصاری نجران و آمدن آنان به مدینه منوره و ملاقات شان با رسول خدا (ص) و قرارداد و پیشنهاد مباحله و کیفیت حضور و در نهایت انصراف آنها در روز موعود رسیدم. ناگهان واقعه جانگداز کریلا و میدان خونین و تنها ایستادن حضرت سیدالشهدا در نظرم مجسم شد. به فکر فرو رفتم که چقدر فاصله میان انسان ها یا انسان نماهای این دو واقعه، در عین حال عظمت و بزرگواری قهرمانانه آنها (پنج تن آل عبا) وجود دارد.» نویسنده در هفت بخش، کتاب را تنظیم کرده است. وی ابتدا ماجرای مباحله را به تصویر می کشد سپس سرگذشت پنج تن آل عبا را مرور می کند. در ادامه به مقایسه میان جریان مباحله و رفتار مسلمان ها با هریک از این شخصیت ها می پردازد.



### مباحله

نویسندگان:  
پژوهشگران علوم اسلامی  
ناشر:  
آستان قدس رضوی

این کتاب ۱۰ مقاله تحقیقی درباره مباحله پیامبر گرامی اسلام (ص) با نمایندگان مسیحیان نجران است که به قلم جمعی از نویسندگان از جمله آیت... عبدا... جوادی آملی و پژوهشگران بنیاد پژوهش های اسلامی، مرتضی انفرادی، علی جان سکندری، محمدعلی چنارانی و حجج اسلام مهدی شریعتی تبار و رضا وطن دوست از دیدگاه های متفاوت به نگارش درآمده است.

«مباحله، معجزه جاودان الهی»، «مباحله چیست؟»، «آیه مباحله در تفاسیر کهن و مفهوم شناسی ممتزین و ابتهال»، «تفسیر آیه مباحله و اصطفا در کلام امام رضا (ع)»، «مباحله در منابع کهن تاریخی شیعه و اهل سنت»، «آداب و مستحبات روز مباحله»، «پیام ها و پیامدهای مباحله برای اسلام و مسلمانان» و... از عناوین و موضوعاتی است که در این کتاب به آن پرداخته شده است. این کتاب برای دوستداران مباحث علمی و تاریخی که این مباحث را به صورت پژوهشی پیگیری می کنند مناسب است.



### راهی که می ماند

نویسندگان:  
سید مهدی شجاعی  
ناشر:  
کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

در این کتاب ماجرای مباحله پیامبر به همراهی اهل بیت، به گونه داستانی برای کودکان گروه سنی «ج» نگاشته شده است. در این داستان، پیامبر گرامی اسلام طی نامه ای، کشیش بزرگ را به اسلام فرامی خواند. کشیش ۶۰ نفر از علمای مسیحی را برای مباحثه با پیامبر اسلام (ص) به مدینه می فرستد. مسیحیان که در بحث با پیامبر (ص) در می مانند، تنها راه را برای اثبات حقیقت مباحله می دانند.

پیامبر (ص) نیز می پذیرد اما در موعده مباحله، مسیحیان که چهره های نورانی پیامبر (ص)، حضرت علی (ع) و حضرت فاطمه (س) را می بینند، از مباحله سرباز زده شرایط پیامبر (ص) را می پذیرند. خریدن و خواندن این داستان برای کودکان را به خانواده ها توصیه می کنیم.



### گزارش لحظه به لحظه از ماجرای مباحله

نویسنده:  
محمد رضا انصاری  
ناشر:  
دلایل ما

این کتاب، گزارش مفصلی از ماجرای مباحله یعنی مناظره مسیحیان نجران با پیامبر (ص) و عقب نشینی نجرانیان از مباحله و نزول آیه مباحله در حق اهل بیت (ع) را بیان می کند اما این ماجرا را در قالب ادبیات داستانی آورده است. البته روایت داستانی ماجرا باعث نشده است که کتاب یاد شده مستند به منابع معتبر و متقن نباشد. کتاب در هشت بخش به موضوعاتی نظیر دعوت نجرانیان به اسلام، کنفرانس در کلیسای اعظم نجران، مناظره علمای نجران درباره پیامبر (ص)، بررسی کتب آسمانی درباره پیامبر (ص)، سفر نجرانیان به مدینه، مناظره پیامبر (ص) با نجرانیان، مراسم مباحله و ندامت نجرانیان از مباحله می پردازد و مجموعه خوبی برای کسب اطلاعات و معارف پیرامون این مسئله برای خوانندگان جوان و علاقه مند است.



### دعوت مردی که راست می گفت

نویسندگان:  
ابراهیم حسن بیگی  
ناشر:  
کتاب جمکران

نویسنده که از داستان نویسان خوب روزگار ماست در این کتاب که از زبان یکی از سه مسیحی ای که در روز مباحله به محضر پیامبر رسیدند روایت می شود، سعی کرده است کودکان و نوجوانان را با مفهوم و موضوع مباحله آشنا کند.

در بخشی از این کتاب آمده است: محمد (ص) دلایل دیگر آورد و سعی کرد حقانیت دینش را بر ما اثبات کند. من تا حدودی قانع شده بودم اما تردید داشتم تا آن را بر زبان آورم. پیدا بود که اسقف لجاجت می کند و کوتاه نخواهد آمد و تن به دین محمد نخواهد داد. در نهایت او پیشنهادی داد که بین اعراب هم مرسوم بود.

او گفت: «بهتر است مباحله کنیم، چون هر دو اهل کتابیم، از خدا بخواهیم که دروغگو را مجازات کند.»



# مرتضایی که کرد یزدانش، همره جان مصطفی جانش

حدیقة الحقیقه و شریعة الطریقه / حکیم سنایی غزنوی

ذکر زوج البتول و ابن عم الرسول ابی الحسن والحسین المبارک الزکر  
غیرالفرار غالب الجیش العرمم الجرار سیدالمهاجرین والانصار  
امیرالمومنین علی بن ابی طالب (ع)

روز او بت شکن زروزال  
مرتبی را وصی و هم داماد  
ای خواجه اگر درونت شکی است  
کس ندیده به رزم در پشتش  
آل یاسین شرف بدو دیده  
نایب مصطفی به روز غدیر  
به فصاحت چو او سخن گفتی  
... تو کشیدی ز کافری پندار  
کرده در عقل و دین به تیغ و قلم  
خوانده در دین و ملک مختارش  
جان آزاد مردی و تن دین  
شرف شرع و قاضی دین او  
قابل راز حق رزانت او  
... کرده از بهر جان اهل هنر  
مُحرم او بوده کعبه جان را  
... تا بدان حد شده مکرم بود  
مصطفی را مطیع و فرمانبر  
بهر او گفته مصطفی به آله  
فضل حق پیشوای سیرت او  
هر که جستی مخالفت در دین  
کد خدای زمانه چاکر او  
هر که تن دشمن ست و بزدان دوست  
حرمت دین چو ظرف جانش داشت  
کاتب نقش نامه تنزیل  
علم او را که منخره کردی موم  
عالم علم بود و بحر هنر  
بحر علم اندرو بجوشیده  
رازدار خدای، پیغمبر  
حیدری کش خدای خواند شیر  
شیررو به راه را نیازدارد  
عقل در آب رویش آغشته  
کرده از رمزهای عقل انگیز  
لفظ قرآن چو دید درویشش  
عشق را بحر بود و دل را کان  
... فرش توحید جان هستش بود  
کی شود آن که ماه دین با او  
نه که این عقد پیش از این بودست  
با ثریا ثری برابرسد  
... مرتضایی که کرد یزدانش  
هر دو یک قبله و خردشان دو  
هر دو یک درزیک صدف بودند  
دو رونده چو اختر و گردون  
از پی سائلی به یک دو رغیف  
در منظوم پادشا کانش  
سایه چاکرانش از ره حلم  
سر توحید اندرین گلشن  
... زمزم لطف آب خامه اوست  
... گفته او را رسول جبارش  
در قیام و قعود عود او کرد  
... تیغ خشمش منیر بود منیر

دست او تیغ زن براج زحل  
جان پیغمبر از جمالش شاد  
کفو و دین نزد تو زجول یکی است  
منهزم شرک از یک انگشتش  
ایزد او را به علم بگزیده  
کرده در شرع مرورا به امیر  
مستمع زان حدیث در سفتی  
تیغ بر روی حیدر کرار  
با شجاعت سماحت اندر هم  
هم در علم و هم علم دارش  
خسر و سنت و تهمتن دین  
صدف در آل یاسین او  
مهیبت وحی حق امانت او  
درج در یک سخن دو درج گهر  
مُحرم او بوده سر یزدان را  
لو کشف مرورا مسلم بود  
همه بشنیده رمزدین یکسر  
کای خداوند وال من والاه  
خلق او عشرت عشیرت او  
کردی او را به زیر خاک دفین  
خواجۀ روزگار قنبر او  
داند الراسخون فی العلم اوست  
زحمت حرف پیش او نگذاشت  
خازن گنج خانه تاویل  
بود چون محرم و عرب محروم  
بود چشم و چراغ پیغمبر  
چاه را به زمستمع دیده  
رازدار پیغمبرش، حیدر  
کی زدی بر معاویه شمشیر  
لیک صد گور زنده نگذارد  
سهو در گرد دینش ناگشته  
طبع و بازار و ذهن و خاطر تیز  
خویشتن جلوه کرد در پیشش  
شرع را دیده بود و دین را جان  
سد اسلام تیغ و دستش بود  
تبع و تابع ثریا او  
درازل تا ابد قرین بودست  
چون علی با نبی برادر شد  
همره جان مصطفی جانش  
هر دو یک روح و کالبدشان دو  
هر دو پیرایه شرف بودند  
دو برادر چو موسی و هارون  
سورت هل اتی ورا تشریف  
لوح محفوظ مصطفی جانش  
قدوه عاشقانش از سر علم  
پیش جان عزیز او روشن  
کعبه اهل فضل نامه اوست  
کای خدای از بدان نگه دارش  
در رکوع و سجود جود او کرد  
بحر علمش غدیر بود غدیر

التَّحَلُّ مَا لَمْ يَصْنَعَهُ الْعَسَلُ، وَ زَعَمُوا أَنَّ فِيهِ خَلْقَ اللَّهِ الْجَنَّةَ وَلَمْ يَذْكُرْ فِي قَوْلِهِمْ مَعَانِيَهُ وَ يَلِيزُهُ  
حَتَّى الْمُحْوَابَةِ التَّشْبِيهِ الْقَطِيعُ مِنْ قَوْلِهِمْ أَنَّ فِيهِ غُثَّ مِنْ شَجَرٍ طُوبَى لَكَ وَلَمْ يَأْتِ لَوْ أَدْلَكَ  
بَلْ اعْتَقَدُوا جَمَالًا كَمَا هُوَ، وَ فِي الْيَوْمِ الثَّانِي مِنْ هَذَا الشَّهْرِ صَوَّرَ قَطْعَ سِنَّةِ أَبِيهِ مَتَى السِّيَةِ وَ فِي  
الرَّابِعِ مَبَاهِلَةَ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ مَعَ نَضَارِي بَجْرَانِ وَ الْخُرَاجَةَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ مَقَامَ أَبِي كَانِهِ  
وَ قَاطِبَةَ مَقَامَ نِسَائِمَةَ وَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ قَرِيبًا إِلَى نَفْسِهِ أَيْمَا مَا تَمَّ اللَّهُ تَعَالَى بِرَبِّي آيَةَ الْمَبَاهِلَةِ



وَ فِي السَّابِعِ عَشَرَ غُثَّ وَ لِحْدًا وَ يَقَالُ أَنَّمَا كَانَتْ لِلنَّبِيِّ مِنْهُ وَ فِيهَا تَمَلُّ حَمْرَةٌ وَ لُجَجُ  
رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ فِي السَّابِعِ عَشَرَ عَزَّ وَ جَلَّ أَبِي طَالِبٍ وَ فِي الثَّانِي وَ الْعَبْرَيْنِ زَعَمُوا التَّقْدِمَ  
لَوْ لَسَّ الْحَوْتُ وَ فِي الرَّابِعِ عَشَرَ زَعَمُوا خُرُوجَ لَوْ لَسَّ مِنَ بَطْنِ الْحَوْتُ وَ مَقْتَضَى هَذَا الْقَوْلُ أَنْ يَكُونَ  
فِي الْخَامِسِ تَرْوُلُ الْكَعْبَةِ وَ الرَّخْمَةِ مِنَ السَّمَاءِ عَلَى آدَمَ وَ فِيهِ رَفَعُ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ الْقَوَاعِدَ  
سِنِ الْبَيْتِ وَ فِي الرَّابِعِ عَشَرَ زَعَمُوا خُرُوجَ لَوْ لَسَّ مِنَ بَطْنِ الْحَوْتُ وَ مَقْتَضَى هَذَا الْقَوْلُ أَنْ يَكُونَ

قدیمی ترین نگاره موجود که به روایت داستان مباحله پرداخته است.

نسخه‌ای از کتاب «آثار الباقیه» نوشته ابوریحان بیرونی متعلق به قرن هفتم هجری